

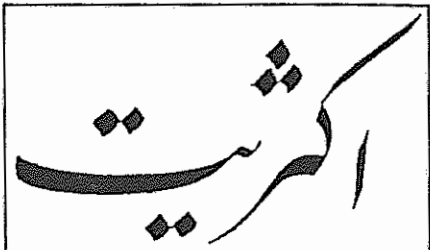
کرد زنده است!

اگر چه زخم های بی شمار بر پیکر دارد، اگر چه نیروهای سرکوبگر به هر گوشه از خاکش هزار هزار گلوله و خمپاره و بمب شلیک کرده اند، همچنان می رزمند و در پهنه های گوناگون جنبش مقاومت باز این صلا را سرمی دهد که:

کرد زنده است!

بقیه در صفحه ۱۰

در یکی از مشهورترین سرودهای ملی خلق کرد این ترجیع زیبا، قانعانه و کوبنده تکرار می شود که "کس نگوید کرد مرده است، کرد زنده است!" تجربه های طولانی مبارزاتی، افتادن ها و برخاستن های متمادی و هربار نیرومندتر به دشمن حمله بردن، به خلق کرد این سرفرازی را داده است که در یک سرود رزمی ملی، چنین ستایش شود. اکنون کردستان،



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (کثرت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۳ دی ۱۳۶۴ برابر ۱۳ ژانویه ۱۹۸۶
پیا ۶۰ رپال - سال دوم شماره ۹۰

تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش:

در آموزش و پرورش را می خواهند تخته کنند!

فرهنگی کذایی در دانشگاه ها شکست خورده است و این بدان دلیل بوده که تنها به ظاهر اسلامی اکتفا کرده است. ستاد پس از این تجربه کثیری و درس اندوزی از "انقلاب فرهنگی" به این حکم می رسد که: "استفاده از طرح های اصلاحی در آموزش و پرورش نیز سرنوشتی بهتر از دانشگاه ها نداشته است با همه تلاشی که به کار رفته و هزینه و وقتی که صرف شده است" (کیهان - ۱۲ دی) بنابراین تیشد را باید به ریشه زد: وقتی که "حوزه" هست دیگر "مدرسه" را می خواهیم بچکار؟ بقیه در صفحه ۷

اتحاد شوروی: تهدید لیبی توسط آمریکا، تروریسم دولتی است

در هفته گذشته تهدیدات آمریکا علیه لیبی به بهانه دخالت ادعایی دولت این کشور در اقدامات تروریستی ادامه یافت. رسانه های گروهی امپریالیستی به طور مستمر اخبار و گزارش هایی دایر بر تدارک مداخله مستقیم نظامی ایالات متحده منتشر ساختند. ناوگان ششم آمریکا در دریای مدیترانه به حالت آماده باش درآمد. سخنگویان دولت آمریکا در پاسخ به پرسش هایی درباره اهداف نقل و انتقالات نظامی، به گونه ای موضع گرفتند که امکان حمله به لیبی را منتفی نمی ساخت. معمر قذافی رهبر لیبی در پاسخ این تهدیدات اظهار داشت: "ما امیدواریم آمریکا و اسرائیل مرتکب اشتباه حمله به ما نباشند" بقیه در صفحه ۱۵

باطلوع سازمان

هشوا دیات انقلابی جان گرفت
در صفحه ۸

در کنار ستادهای مختلفی برای سرکوب، پیکرد، تجسس، تبلیغات جنگی، تبلیغات حکومتی، تخریب خانه ها، جمع کردن بساط دستفروشی ها و نظایر این ها، مدتی است در وزارت خانه آموزش و پرورش ستادی علم کرده اند به نام "ستاد اجرایی و برنامه ریزی تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش".

این ستاد که گردانندگان اصلی آن "عده ای از اساتید حوزه علمیه" می باشند، اخیراً برنامه خود را اعلام کرده است. این برنامه به دنبال مطالعه عمیق اعضای ستاد مذکور بر روی نوشته های خمینی صورت گرفته است. نکته اصلی در این برنامه مردود دانستن وجود یک دستگاه آموزش و پرورش جدا از حوزه های علمیه است. بنابراین ستاد هدف خود را باوقاحت تمام تخته کردن در آموزش و پرورش اعلام میکند. ستاد مذکور معتقد است انقلاب

پشتیبانی نمایندگان دانشجویان جهان از مبارزات مردم ایران

هیات نمایندگی سازمان جوانان فدایی خلق ایران (کثرت) در سمینار بین المللی دانشجویان، "وضعیت جوانان ایران را تشریح نمود

عضو آن هستند، برگزار شد. نمایندگان سازمان های دانشجویی و جوانان یازده کشور و نیز نمایندگان اتحادیه بین المللی دانشجویان (I.U.S)، فدراسیون جهانی جوانان دمکرات (W.F.O.D.U)، فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و سازمان همبستگی خلق های آسیا و آفریقا در سمینار شرکت داشتند. بقیه در صفحه ۲

در روزهای ۲۶ و ۲۷ آذرماه، سمینار بین المللی دانشجویان پیرامون "امنیت جمعی آسیا، منطقه صلح پایدار، ثبات، حسن همجواری و همکاری" در شهر ویجیاوا - هندوستان برگزار گردید. این سمینار باهمیاری فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان و مرکز اطلاعاتی دانشجویان آسیا (I.S.C) که ۲۲ سازمان دانشجویی

۱۷ سازمان و شخصیت جهانی، جنایات حکومت خمینی را محکوم کردند

درکنگره، بیانیه مشترکی در دفاع از مبارزه مردم و جوانان ایران برای آزادی و صلح صادر نمودند. متن این بیانیه در صفحه ۲ درج شده است.

بهیست و دومین کنگره فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان در روزهای ۲۲ تا ۲۵ آذرماه در شهر گنتور ایالت آندراپرادش برگزار گردید. به دعوت فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان، از طرف سازمان جوانان فدایی خلق ایران (کثرت) نیز نمایندگان کنگره شرکت داشتند. در طول کنگره پیام های هیات های نمایندگی کشورهای مختلف از جمله پیام هیات نمایندگی جوانان فدایی خوانده شد در پیام جوانان فدایی از جمله آمده است:

"جوانان ایران در شرایط بسیار دشواری بسر می برند. جنگ بی معنای ایران و عراق ششمین سال خود را می گذراند. بر اثر تداوم این جنگ جان مردم و جوانان کشور ما به نابودی کشانده می شود، اما رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی همچنان به این جنگ ویرانگر ادامه می دهد" شرکت کنندگان

مبارزه پیگیرانه کارگران کارخانه پشمباف تهران

دستگیری کارفرمای وی را به محل کارخانه کشانند. به دنبال آن ماموران ارگانه ای انتظامی بنا به خواست عوامل کارفرما خود را به کارخانه رساندند اما کارگران آنها را از کارخانه بیرون راندند. کارگران صاحب کارخانه را برای پاسخگویی به خواستهایشان در کارخانه نگه داشتند. به دنبال این حرکت گوشه ای از مسائل و مشکلات کارگران در یکی از نشریات رسمی نیز بازتاب یافت. بالاخره کارگران با تعهد کتبی مسئول اداره کار شهر ری، بقیه در صفحه ۲

کارگران کارخانه "پشمباف تهران" واقع در خیابان "شعید رجایی" موفق شدند پس از ماه ها جستجو و تعقیب و گریز کارفرمای کارخانه را دستگیر کنند. کارفرما از پرداخت حقوق معوقه کارگران و راه اندازی کارخانه که اکنون نهمین ماه تعطیلی خود را می گذراند سرباز می زد و به همین دلیل خود را از چشم کارگران پنهان می ساخت. کارخانه پشمباف تهران که قبل از تعطیلی روزانه دو تن پتو تولید می کرد دارای ۱۰۸ کارگر است که بسیاری از آنان بیش از ۲۰ سال سابقه کار دارند. کارگران پس از

پرویز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

در بخش پایانی فطنامه این انجمن، ضمن اشاره به اعدام فدائیان تبار محمد امین شیرخانی، ابراهیم لطف الله زاده و محمد شیرودی، چنین نوشته شده است: "انجمن سراسری دموکراتیک زنان هند از همه نیروهای دموکرات جهان می‌خواهد سرکوبی را که توسل رژیم اسلامی خمینی در ایران اعمال می‌شود، محکوم کنند."

پشتیبانی نمایندگان دانشجویان جهان از مبارزات مردم ایران

آسیا و آفریقا نیز سخنانی ایراد کردند.

از جمله سخنرانان این سمینار نماینده سازمان جوانان فدایی بود که در سخنان خود وضعیت دانشجویان در ایران و جنگ ایران و عراق و نقش آن در منطقه را مورد بررسی قرار داد.

از سوی شرکت کنندگان در سمینار بیانیه مشترکی صادر گردید که در بخشی از آن چنین آمده است: "جنگ بی معنای ایران و عراق که فاجعه‌ای برای مردم هر دو کشور و تنها به سود امپریالیسم آمریکا است بایستی خاتمه یابد. ما از مبارزات مردم مرد و کشور در راستای تحقق دموکراسی، صلح و پیشرفت اجتماعی پشتیبانی می‌کنیم."

سخن ایران (اکثریت)
* سازمان دانشجویان و جوانان دمکرات ایران
* فدراسیون دانشجویان هندوستان
* اتحادیه دانشجویان مغولستان
* اتحادیه دانشجویان یمن دمکراتیک
* اتحادیه دانشجویان بنگلادش
* اتحادیه ملی دانشجویان سوریه
* لیگ ملی اتحادیه دانشجویان سری‌لانکا
* فدراسیون ملی دانشجویان نیپال

منطقه نیز نتیجه‌ای نبخشیده بود. به‌طور مثال درمراجع به وزارت کار، تریزی، تجربی مشاوران وزیر کار به کارگران پیشنهاد کرده بودند که اگر کارگران ۲۰ درصد از یورسانتی که در زمان تولید کارخانه دریافت می‌کردند صرف‌نظر کنند، هزینه پرسنلی به نفع صاحب آن پائین خواهد آمد و کارخانه راه اندازی می‌شود. با وجود آنکه کارگران بر خطر گریز از بیکاری و دریافت حقوق معوقه تن به این اجحاف آشکار دادند اما همچنان تعطیلی کارخانه را ادامه دارد.

این بار پس از دستگیری کارفرما، کارگران موفق شدند. دوماه از حقوق معوقه خود را بازپس گیرند. کارگران به همه دسایسی که علیه آنها صورت می‌گیرد در مبارزه خود مصمم و پیکر هستند.

بقیه از صفحه اول
طی سینار اوضاع آسیا و تلاش امپریالیسم آمریکا برای نظامی کردن منطقه و جنگ ایران و عراق و نیز اعمال جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا و متحدانش علیه انقلاب افغانستان، توسط سخنرانان مورد بررسی قرار گرفت. "جیورجوس میخالیروس" دبیر کل اتحادیه بین‌المللی دانشجویان در سخنان خود اوضاع بین‌المللی را بررسی کرد و نقش دانشجویان در بسیج مردم برای حفظ صلح جهانی منجمده صلح در آسیا را مورد تأکید قرار داد.

نمایندگان فدراسیون جهانی، جوانان دمکرات، فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری، سازمان صلح و همبستگی امضا کنندگان بیانیه عبارتند از:

* اتحادیه بین‌المللی دانشجویان
* فدراسیون جهانی دانشجویان دمکرات
* فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری
* سازمان صلح و همبستگی آسیا-آفریقا
* شورای دانشجویان اتحاد شوروی
* فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان
* اتحادیه ملی دانشجویان ویتنام
* سازمان دمکراتیک جوانان افغانستان
* سازمان جوانان فدایی

مبارزه پیگیرانه...

بقیه از صفحه اول
کارفرمای کارخانه را آزاد ساختند. لازم به توضیح است که کارگران کارخانه پشمیاف تهران، در اردیبهشت ماه سال جاری به خاطر امتناع کارفرما از پرداخت حقوق معوقه کارگران دست به اعتصاب بردند. روزی زده بودند که موفق شدند بخشی از حقوق معوقه خود را بسازند. کارگران این اعتصاب در اکثریت شماره ۶۴ درج شد اما به دنبال آن کارفرما به بهانه ضرر دمی و اینکه قصد دارد کارخانه را بفروشد از راه اندازی منجمد کارخانه سرباز زده و خود را از دید کارگران مخفی می‌نمود. اعتراضات مکرر کارگران به مسئولین اداره کار و دیگر مسئولین

متن بیانیه

۷ سازمان و شخصیت جهانی در محکومیت رژیم خمینی

بقیه از صفحه اول

سازمان‌های امضا کننده زیر:
۱ - اعدام ۱۲۰ نفر از رهبران و فعالین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سایر سازمانهای چپ و مترقی،

۲ - سرکوب و شکنجه اعضا و فعالین حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)،
۳ - ادامه جنگ پیورده ایران و عراق را که فقط در خدمت ارتجاع و امپریالیسم است، را محکوم می‌کنیم. ما همبستگی عمیق خود را با سازمان دانشجویان و جوانان دمکرات ایران و سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) در مبارزات برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی اعلام می‌کنیم.

۱ - جیورجوس میخالیروس، دبیر کل اتحادیه جهانی دانشجویان
۲ - قام‌الاسیم، نماینده اتحادیه ملی دانشجویان ویتنام
۳ - جارتو جاکووسا، معاون رئیس انجمن دانشجویان لهستان
۴ - کورکی کیلوسی، دبیر انجمن دانشجویان مجارستان
۵ - اس لورسن‌چار، نماینده اتحادیه دانشجویان مغولستان
۶ - محمد ابراهیم، عضو کمیته مرکزی سازمان دمکراتیک جوانان افغانستان
۷ - اتحادیه دانشجویان بنگلادش
۸ - فدراسیون ملی دانشجویان نیپال
۹ - لیگ دمکراتیک جوانان نیپال

۱۰ - ان. دایانالز، رئیس اتحادیه ملی دانشجویان سری‌لانکا
۱۱ - یکی از اعضای کمیته مرکزی فدراسیون جوانان کونیست سری‌لانکا
۱۲ - رامافارسی‌راو، نماینده فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری، بخش کارگران جوان
۱۳ - معاون رئیس فدراسیون جهانی جوانان دمکرات فدراسیون وی‌کریشناپا، فدراسیون دمکراتیک جوانان هندوستان
۱۴ - فدراسیون دانشجویان هندوستان
۱۵ - عبدالحمین، نماینده اتحادیه دانشجویان یمن دمکراتیک
۱۶ - سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان

* دوازدهمین کنفرانس ایالتی حزب کمونیست هند (مارکسیست) در ایالت تامیل نادو که از پنجم تا هشتم آذرماه بطول انجامید، قطعنامه‌ای صادر نمود و در آن ضمن ابراز تکرانی از سرنوشت ایران سیه چال‌های خمینی، خواهان آزادی فدایی خلق انوتیروان لطفی و سایر زندانیان سیاسی ایران گردید.

این کنفرانس یادشدهایی را که در دوران رژیم شاه و حکومت خمینی در ایران، جان باختند، گرامی داشت و به همه فدائیان و توده‌ای‌هایی که به یوخته اعدام سیرده شدند، درود فرستاد.
* سازمان مرکزی کارکنان برق تامیل نادو در اعلام انزجار از اعدام فدائیان نوشت: "ما از جانب مسئولان وزارت کار و برق ایالت تامیل نادو یکی از مسئولان هند، این اقدام دولت سارا محکوم نموده" و "از دولت سارا خواستار اتمام اعدام در ایران و آزادی بدون قید و شرط زنده زندانیان سیاسی" هستیم.

* در روز ۲۶ آذرماه، به ابتکار فدائیان خلق و با همکاری رفقای نموده‌ای کرد همایی بر سر یک فعال حزب کمونیست هندوستان، حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) و حزب جاناتا در شهر حیدرآباد برگزار گردید. اولس سخنران این گردهمایی دبیر کمیته سر حزب کمونیست هند (مارکسیست) بود که با اشاره به اعدام فدائیان سر جنایات رژیم خمینی و اسیدها محکوم نمود. سخنران دیگر یک رفیق فدایی بود که سخنانش بر آمون جنگ ایران و عراق و شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی ایران، همبستگی بر سر شرکت کنندگان را با مردم ایران برانگیخت.

* از سوی ده حزب و سازمان سیاسی در شهر یونا - هندوستان، نامه‌ای برای دبیر کل سازمان ملل و نیز سازمان عفو بین‌المللی ارسال گردید که در آن اعدام فدائیان به خون خفته محمدرضا غیرائی، رضی‌الدین تابان و جهانگیر بهنجاری و دیگر جنایات رژیم ددمش جمهوری اسلامی محکوم گردیده و بر تلاش برای خاتمه دادن به این وضعیت هولناک درمیهن تأکید شده است.

درمیان نیروهایی که این نامه را نوشته‌اند می‌توان از جبهه دمکراتیک دانشجویان سودان - یونا، جبهه آزادیبخش فلسطین - یونا، اتحادیه دمکراتیک جوانان بحرین - یونا، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و سازمان جوانان دمکرات افغانستان نام برد.

بیماران مناطق مسکونی

هفته گذشته حملات هوایی دو کشور به تاسیسات نظامی و صنعتی و مسکونی یکدیگر ادامه یافت. در عین حال هر دو رژیم بادیست زدن به مانورهای تبلیغی کوشیدند تا طرف مقابل را مسئول گسترش جنگ به مناطق غیرنظامی معرفی کنند. هفته پیش طی نامه‌ای توسط نماینده جمهوری اسلامی به دبیر کل سازمان ملل، جمهوری اسلامی هشدار داد که در صورت ادامه حملات عراق به مناطق غیرنظامی، مقابله به مثل خواهد کرد. عراق نیز فیلمی از بیمارانهای اخیر مناطق مسکونی آن کشور را تهیه نموده و آن را در اختیار خبرگزاری‌های بین‌المللی قرارداد.

رژیم عراق اعلام کرد که به مناسبت شصت و پنجمین سالگرد ارتش عراق، اقدام به حمله به نیروهای جمهوری اسلامی مستقر در جزیره مجنون نموده است و این حمله را موفقیت آمیز اعلام نمود. این خبر ضمن آن که از رادیوی دولتی جمهوری اسلامی نیز پخش شد، اما اعلام شد که این حمله عراق خنثی شده است. همچنین روز سه‌شنبه ۱۷ دی ماه، عراق بار دیگر به تاسیسات نفتی ترمینال خارک حمله کرد. خبرگزاری‌های بین‌المللی گزارش می‌کنند که در جریان چند روز گذشته ۵ کشتی در حوزه آب‌های خلیج فارس مورد حمله طرفین قرار گرفته است و یک کشتی متعلق به آلمان غربی توسط جمهوری اسلامی توقیف شده است.

۲ میلیارد دلار
مبادله بازرگانی با ترکیه

پروتکل ۲ میلیارد دلاری مبادله تجاری و بازرگانی جمهوری اسلامی و ترکیه به امضای رسید. این اولین باری است که حجم مبادلات طرفین به این رقم هنگفت بالغ می‌شود. حکومت ناتوی ترکیه که هم با جمهوری اسلامی و هم با رژیم عراق روابط حسنه‌ای دارد، تلاش دارد تا از موقعیت استثنایی حاکم، نهایت استفاده را بکند. به همین منظور تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه در راس یک هیات ۲۰ نفره به تهران سفر کرد. وی که در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت چسته بود، تمام کوشش خود را به کار بست تا در برابر اصرار مسئولین رژیم که تمایل داشتند، اوزال را به موضع‌گیری علیه عراق بکشند، مقاومت کند. اوزال در برابر یکی از خبرنگاران که پرسید آیا عراق را متجاوز می‌داند یا خیر؟ جواب داد که پاسخ من هیچ نتیجه‌ای در حل مساله جنگ ندارد و من برای پایان جنگ دعا می‌کنم. وی افزود که پاره‌ای از مسائل را و از جمله تعیین متجاوز را باید به روز قیامت موکول کرد. در واقع اگر مساله رژیم جمهوری اسلامی، جلب حمایت اوزال از خود بود، مساله ترکیه، بسط و گسترش مناسبات اقتصادی بود و در این کشاکش اوزال بادیست پربرای سرمایه‌داران ترکیه به کشورش بازگشت.

سفر هیات فرانسوی به تهران

یک هیات فرانسوی به ریاست نماینده ویژه دولت فرانسه روز ۱۴ دی ماه وارد تهران شد. چند

اطلاعات "نباید باشد، چرا که این احتمال وجود دارد که عده‌ای از موقعیت خود علیه گرایشات متخالف سواستفاده کنند. رئیس ساواک بار دیگر بر "تخلیه اطلاعاتی" در جمهوری اسلامی به مسئولین دولتی هشدار داد. وی گفت: "با آن‌ها تماس (تلفنی) گرفته می‌شود و بعدا به ما خبر می‌دهند که اشتباه کرده‌اند و اطلاعات ذیقیتی را در اختیار فرد ناشناسی که فکر می‌کردند شناس هست، گذاشته‌اند." این چندمین بار است که وزیر ساواک به مسئولین دولتی در این زمینه هشدار می‌دهد.

پذیرش روزانه ۷۰۰ مجروح جنگی
در بیمارستانهای تهران

بر اساس تصمیم کمیسیون خدمات هیات وزیران، بخش قابل ملاحظه‌ای از امکانات پزشکی و درمانی بیمارستانهای تهران در اختیار مجروحین جنگی قرار می‌گیرد. بر اساس این تصمیم، مقرر گردید که ۴۰ تا ۱۰۰ درصد تختها و امکانات ۱۲ بیمارستان و ۲۰ درصد امکانات سایر بیمارستانها در اختیار مجروحین جبهه قرار گیرد. در همین رابطه، روابط عمومی سازمان منطقه‌ای بهداشتی استان تهران افزود که روزانه ۶۰۰ الی ۷۰۰ مجروح جنگی را جهت ادامه درمان پذیرفته و با توجه به تخصص مورد نیاز به مراکز درمانی مختلف اعزام می‌نماید. اعلام رسمی پذیرش روزانه ۶۰۰ الی ۷۰۰ مجروح جنگی تنها در استان تهران، که بیانشگر میزان مجروحین جنگی است، برای اولین بار است که در سخنان مسئولین حکومتی انعکاس می‌یابد.

جداسازی زن و مرد در اتوبوسهای "شرکت واحد"



حرکت و جابجایی است. براساس این طرح، زنان در قسمت انتهایی اتوبوس و مردان در قسمت جلوی آن جا می‌گیرند. گزارشات قبلی همگی حاکی از مقابله مردم با طرح‌های مسئولین رژیم در زمینه جداسازی زنان و مردان در اتوبوس واحد بوده است.

بقیه در صفحه ۱۳

هفته پیش نیز یک هیات پارلمانی فرانسوی به تهران مسافرت کرده بودند. رسانه‌های دولتی جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند که سفر هیات جدید در ادامه تمام‌هایی است که اخیرا برای حل اختلافات بین ایران و فرانسه برداشته شده است. یکی از موارد اختلاف فرانسه و جمهوری اسلامی، موضوع وام یک میلیارد دلاری است که در زمان شاه در اختیار سازمان انرژی اتمی فرانسه قرار گرفته بود.

زنان منشی ادارات، اخراج می‌شوند

با تصویب شورای امور اداری و استخدامی کشور، رشته شغلی "منشی" از مجموعه نظام اداری جمهوری اسلامی حذف شد. سازمان مذکور اعلام کرد: "با توجه به دستورنخست وزیری مبنی بر عدم استفاده از خانم‌ها در پست منشی که نوعاً تماس زیادی با افراد مختلف را ایجاب می‌کند" شغل منشی به شغل سردفتری، تغییر خواهد کرد. سازمان امور اداری و استخدامی اطلاع‌ای از وظایف این شغل جدید ارائه نداد، اما واضح است که این شغل را تنها مردان می‌توانند احراز نمایند.

گزارش وزیر ساواک جمهوری اسلامی

حجت الاسلام ری شهری وزیر ساواک جمهوری اسلامی در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه دولتی کیهان شرکت کرد و مطالبی را پیرامون "وزارت ساواک" عنوان نمود. وی مدعی شد که اخیرا عده‌ای از مبارزین رادستگیر کرده‌اند. وزیر ساواک همچنین گفت که گرایش و دسته بندی سیاسی در "وزارت"

عکسی که مشاهده می‌کنید، فضای داخلی یک اتوبوس شرکت واحد در تهران است که در نتیجه آخرین تلاش مسئولین حکومتی، به دو قسمت مجزای مردانه و زنانه تقسیم شده است. در طرح فوق که به طور آزمایشی به اجرا درآمده است مانعی بین ساندلی‌ها نصب شده است که به طور کشویی قابل

پاحمايت مقامات دولتي اموال تعاوني را ربودند

در كناراك واقع در بلوچستان نيز مانند برخي از ديگر نقاط مرزي كشورمان، شركت تعاوني مرزنشينان تشكيل شده است. رئيس اين شركت شخصي بنام حاج حسين بادپور است. وي با همدستي عده اي از مقامات دولتي، بخشي از سو دوسرمايه اين شركت را بالا كشيد. با افشا شدن خبر اين دزدي، اعضاي شركت تعاوني دست به اقداماتي زدند. حاج حسين با بركناري چند كارمند تعاوني كوشيد موج اعتراض را بخواباند، و همچنين به خواست وي، مقامات دولتي مديست او، حسابداري را براي بازرسي مي فرستند. اين بازرس نيز همانگونه كه پيش بيني مي شد، بسود حاج حسين نظر مي دهد. اما باتداوم حركت اعتراضی و افشاگران اعضای تعاونی، حاج حسين رسوا مجبور به گریز از محل می شود.

افزایش خودكشی

در برابر ددمنشی ها و بیداد گریهای رژیم خمینی، همه روزه عده ای از مردم كشورمان طاقث از دست مي دهند و دست به خودكشی مي زنند. تنها در شهر بندرعباس در دو ماهه شهریور و مهر، چهار جوان كم سن و سال خود را حلق آویز كردند.

دانش آموزان علیه جنگ

در دبیرستان دخترانه آگاهی واقع در تهران پارس از دختران دانش آموز خواستند که در ساعات طرح کاد برای نیازهای جبهه لباس زمستانی ببافند. دانش آموزان به این دستور اعتراض کرده و حاضر نشدند آنرا بپذیرند. مسئولین دبیرستان به آنان اخطار کردند که در این صورت به آنان نمره طرح کاد داده نخواهد شد. اعتراض دانش آموزان به این طرح بیانگر تنفرشان از جنگ و رژیم جنگ افروز خمینی است.

نماز اجباری را برچیدند

در هنرستان قدس كه حدود ۴۰۰ دانش آموز دارد، به دستور آموزش و پرورش هر روزه نماز جماعت برپا می شد. اما كل تعداد شركت كنندگان در نماز جماعت از ۲۰ نفر تجاوز نمی كرد. مسئولین كه از این وضعیت بدشد، خشمگین بودند با تهدید دانش آموزان، سعی كردند آنان را به نماز اجباری بكشانند. اما تهدیدات، ره بجائی نبرد و مسئولین ناچار شدند كه این بساط را برچینند و دانش آموزان از نماز اجباری رهائی یافتند.

قتل يك دانش آموز به دست پاسداران

در ماه گذشته، در خیابان نواب، پاسداران قصد دستگیری یکی از مبارزین را داشتند. اما این شخص مبارز اقدام به فرار کرده و موفق می شود كه از آنان فاصله بگیرد. پاسداران كه با دستپاچگی او را

تعقیب می نمودند، وحشیانه اقدام به تیراندازی كردند. تیراندازی پاسداران در حالی صورت گرفت كه خیابان ملو از جمعیت بود و علاوه بر آن مصادف با زمان تعطیل شدن دبیرستان دخترانه ارشاد بود و خیابان از دانش آموزان پر بود. یکی از كلوله های پاسداران به دختری كه دانش آموز كلاس اول نظری این دبیرستان بود اصابت كرد. این دختر جابجا كشته شد. این جنایات پاسداران موجی از انزجار در محل و مدرسه برانگیخت.

فشار بر مردم قشم برای "كمك" به جبهه

تعاونی مرزنشینان جزیره قشم كه كار مبادله کالا با امارت متحده عربی را انجام می دهد. اخیرا صورت حساب سالانه را تنظیم كرد و معلوم شد كه سود كل تعاونی ۹۰ هزار تومان است. شهردار قشم با اعمال فشار به تعاونی كوشید سود سالانه را به حساب كمك به جبهه واریز كنند. اما همه اعضای تعاونی به ابراز مخالفت با پیشنهاد شهردار برخاستند و با این فشار مقابله كردند.

واگذاری تاسیسات شیلالت به

بخش خصوصی

دولت در صدد است شیلالت بندر جاسك را به بخش خصوصی واگذار كند. گفته می شود در دیگر نقاط استان هرمزگان نیز اجرای چنین طرحی قریب الوقوع است. این امر در میان كاركنان و صیادان با اعتراض روبرو شده است.

در اعتراض به افزایش مالیاتها

كسبه شهر میناب باز آرا میستند

در روز هفدهم مهرماه كسبه شهر میناب دست به اعتصاب زدند و دكانها را بستند، كه در نتیجه بازار به حالت تعطیل درآمد. آنها در پی تعطیل بازار به مقامات دولتی اطلاع دادند كه علت این اقدام، اعتراض به مالیاتهای هنگفت و رنكارتگی است كه به زور از آنها گرفته می شود. این مالیاتها كه بخاطر تامین نیاز جبهه های جنگ وضع شده و اخذ می شود، كسبه میناب را نیز مثل دیگر مردم خانه خراب کرده است. در روز هجدهم مهرماه، نیروهای انتظامی به بازار شهر ریختند و كوشیدند به زور مغازه ها را بگشایند. اما كسبه فقیر این شهر محروم در برابر آنان دست به مقاومت زدند.

نامه صیادان بندر لنگه

در بندر لنگه مقامات دولتی به اشكال گوناگون صیادان زحمتکش را تحت فشار و اذیت و آزار قرار می دهند. آنان در اعتراض به تحمیلات غیر قابل تحمل مسئولین، نامه ای تهیه و دسته جمعی امضا كردند و برای مسئولین مملكتی فرستادند. در نامه پس از تشریح زندگی فلاكتبار صیادان نسبت به فروش اجباری صید به شیلالت اعتراض شده است در بندر لنگه هرگاه صیادی از تحویل ماهیهای صید شده به شیلالت سرباز زند، لنج او برای مدتی نامحدود توقیف و جواز صیادی او ضبط می شود. در نامه مزبور

صیادان اخذ اجباری "كمك به جبهه" را تقبیح نمودند. لازم به ذكر است كه مسئولین محلی همه ماهه صیادان فقیر را وادار به خرید قبض های كمك به جبهه می نمایند.

مقاومت كارگران اخراجی كارخانه

كشتی سازی خلیج فارس

۱۶۷ نفر از كارگران كارخانه كشتی سازی خلیج فارس كه در شهریور ماه اخراج شده بودند، به طور جمعی حركات اعتراضی خود را دنبال كردند. در پی این اعتراضات مسئولین ناچار شدند ۹۵ نفر را به كار باز گردانند.

اخراج كارگران و كارمندان ادامه دارد

اخراج كاركنان موسسات تولیدی و اداری استان هرمزگان همچنان با شدت ادامه دارد. این اخراجها بخاطر فقدان بودجه و اعتبار صورت می گیرد. در همین رابطه اداره راه، ده تن از كاركنان را از كار بیکار كرد. در بانک مسكن نیز گروهی از كارمندان قراردادی اخراج شدند.

حركات اعتراضی همافران

در پایگاه یکم شکاری

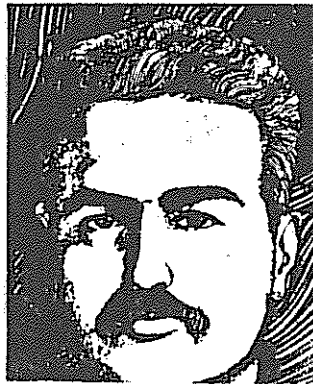
در اواسط ماه گذشته، در پایگاه یکم شکاری، همافران با تجمع در محل ورودی پایگاه، اقدام به یک حركت اعتراضی نمودند. علت اعتراض همافران، درگیری بین یکی از همافران و دژبانهای پایگاه گزارش شده است. دژبانها به این همافرا بخاطر بی اعتنائی به مقررات پایگاه در زمینه نحوه لباس پوشیدن، عتاكی كردند. اهانت دژبانها با واكنش همافرا مزبور مواجه و منجر به درگیری آنها شد. دیگر همافران پایگاه با شنیدن این خبر، تجمع کرده و به شدت به نحوه رفتار دژبانها اعتراض كردند. حركت اعتراضی همافران بازتاب تنفرشان نسبت به حكومت جمهوری اسلامی بود.

چلوه ای از غارت

پروژه گاز رسانی از اراك به دلیجان، میمه و قم به دو شركت به نام مالاكان و مولار به مقاطعه داده شده است. مبلغ كل این پروژه تا هشت میلیارد تومان برآورد گردیده است. روشن است كه سود حاصله از این پروژه بزرگ، برای مقاطعه كاران تاجه حدی خواهد بود. سیردن این پروژه به دو شركت فوق الذكر با اعمال نفوذ مهندس غرضی وزیر نفت پیشین، صورت گرفته است. زیرا خواهر زاده غرضی (طبائیان) از سهامداران اصلی شركت مالاكان می باشد. گفته می شود دو شركت برنده این مقاطعه به مهندس غرضی و طبائیان ۱۶۰ میلیون ریال رشوه داده اند. شركتهای مالاكان و مولار تمام تجهیزات مورد نیاز را خارج از ثوبیت دریافت می كنند. برخی از این تجهیزات كه قرار است به شركتهای فوق تحویل گردد، عبارت است از: لندرو ۲۱ دستگاه، لودر ۴ دستگاه، بیل مکانیکی ۸ دستگاه، ماشین كمپرسی ۴ دستگاه، بپای ماشینها و تجهیزات فوق در بازار آزاد سام آور است.



رفیق حسن ضیا ظریفی



رفیق بیژن جزینی

در فعالیت‌های دانشجویی، نقش پیشرو را هم "گروه جزنی" بسیار بارز بود. تقریباً در تمامی دانشکده‌های دانشگاه تهران، بویژه دانشکده‌های فنی، حقوق، ادبیات و فلسفه، داروسازی و همچنین دانشکده پلی تکنیک و استیتو تکنولوژی حضور محسوس گروه وجود داشت و هدایت مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویان توسط گروه صورت می‌گرفت. در اول بهمن سال ۴۱ که شاه با تمام توان سعی در سرکوب جنبش دانشجویی داشت و چتر بازان خود را به دانشگاه تهران اعزام نموده، گروه جزنی در تمامی دانشکده‌ها و نیز جریان تعطیل مدارس، پیشرو و سازمانگر بود. خود بیژن در دفاع از سنگردانشگاه و یورش شدیداً محسوب و در بیمارستان بستری گردید. در انتشار "پیام دانشجویان ارگان سازمان دانشجویان که تا سال ۴۴ منتشر می‌شد" گروه جزنی نقش تعیین کننده ایفا می‌نمود. گروه جزنی برای تشکیل و یا فعالیت در درون تشکلهای دانشجویان که تا سال اهمیت ویژه‌ای قائل بود. بطور نمونه تشکیل گروه کوهنوردی کاوه و گروه کوهنوردی فلز کار مکانیک سازنده پناهگاه معروف قله توجال و فعالیت موثر در کانون کوهنوردان تهران را می‌توان ذکر نمود. بخشی از حساسیت و خشم شدید ساواک شاه - به ساواک - همین نیز به ارث رسیده است - نسبت به گروه‌های کوهنوردی و ورزش کوهنوردی از زمان فعالیت مفید و مرمی بخش "گروه جزنی" در این کانونها ریشه گرفته است همچنانکه بخشی از سنتها و منشیهای سازنده، نجیب و ارزشمند حاکم بر گروه‌های متعدد کوهنوردی دهه پنجاه نیز از همانجا منشأ گرفته است.

فعالیت‌های ایدئولوژیک

تا سال ۴۴ مضمون عمده کار - حوزه‌ها را بر رسی و بحث در مورد نحوه پیشبرد وظایف معین تشکیلاتی و

فعال نمود "گروه جزنی" می‌کوشید در تمامی عرصه‌های مبارزه با دشمن طبقه کارگر و خلق، حاضر و نایب آخر کوشنده باشد. ۲۰ دی سال ۲۸ خروش دانش آموزان و تشکیل سازمان دانش آموزان ایران، اعتصاب کارگری سال ۲۸ و حضور شبکه "سیاسی - مخفی" در آن، جنبش دانشجویی و کمیته دانشگاه، مبارزه در راه وحدت دانشجویان چپ و اتحاد عمل دانشجویان مرفقی، تشکیل صنف مستقل دانشجویان چپ در مقابل رهبری سازشکار جبهه ملی سوم، انتشار پیام دانشجویان، منشور نیروهای چپ و مرفقی در کنگره جبهه ملی سال ۴۲، برگزاری اول ماه مه، ۱۶ آذرها، اول بهمن‌ها و...

گروه، برای ارتباط با کارگران پیشرو و تقویت ارتباط با جنبش کارگری تلاش بسیاری نمود. اسکندر صادقی نژاد، جلیل انفرادی و ناصر کارسه‌چی در سندیکای فلزکار مکانیک و در ارتباطات با گروه بودند. مسائل کارگری و امور سندیکایی موضوع بررسی حوزه‌ها بود. برگزاری جشن‌های اول ماه مه، شرکت در مبارزات و اعتصابات کارگری، تهیه و بخش اعلامیه در مورد مسائل کارگران، از وظایف حوزه‌های گروه بشمار می‌رفت.

گروه جزنی با حضور گسترده و فعال در مبارزات دانش آموزان در سال ۱۳۲۸ این امکان را پدید آورد که "سازمان دانش آموزان ایران" تشکیل شود و رهبری مبارزات دانش آموزان را در دست گیرد و بویژه تظاهرات گسترده دانش آموزی ۲۰ دی سال ۲۸ را سازمان دهد. این تأثیر به جهت حضور برخی از فعالین گروه در دبیرستان دارالفنون و هنرستان تهران که از کانونهای اصلی مبارزات دانش آموزان بود امکان پذیر گشت. از درون همین مبارزات و در طی سالهای بعد کادرهای نخبه‌ای برای جنبش تربیت گردید.

۱۹ دی سالروز دستگیری رفیق بیژن جزنی هجده سال از آغاز یورش به فدائیان خلق گذشت

و در ارتباط با وی رفیق جلیل انفرادی نیز در پیوند با گروه قرار گرفتند.

رفیق جزنی در کتاب تاریخ سی ساله از پیوستن بخشی از اعضای یک گروه و انحلال بقایای آن نیز سخن می‌گوید.

طی سالهای ۴۶ - ۴۴ نیروهای اصلی گروه در سه شبکه سازماندهی می‌شوند: شبکه سیاسی - نظامی، شبکه فعالیت‌های نیمه علنی جهت مبارزات دمکراتیک و تماس با گروه‌های دمکرات و شبکه "سیاسی - مخفی" که وظیفه فعالیت در بین کارگران را بر عهده داشت. شبکه سیاسی - نظامی خود از دو تیم شهروکوه تشکیل گردیده بود که برخی از اعضای آن عبارت بودند از عزیز سمدی، محمد صفاری نژاد، علی صفایی... در تیم شهر، و سعید کلانتری، محمد چوپانزاده، حمید اشرف و... در تیم کوه.

این بخش از شبکه سیاسی - نظامی تحت رهبری رفیق جزنی و بخش دیگر آن که از رفقای چون غفور حسن پور، مادی بنده خدالنگرودی و... تشکیل شده بود، تحت مسئولیت رفیق ظریفی قرار داشت. هر یک از شبکه‌ها علاوه بر نیروهای اصلی دارای نیروهای ذخیره و طیف حاشیه‌ای نیز بودند.

حد بالای رعایت موازین مبارزه مخفی، توانایی خارق العاده رفیق جزنی در سازماندهی و مقاومت جسمی گروه در زیر شکنجه‌های طاقت فرسا باعث شدند که برخی ارتباطات و افراد تا زمان سقوط رژیم شاه برای سایر مبارزین نیز مشخص نگردد.

حضور در عرصه‌های مختلف مبارزه

گروه معتقد بود که برای "حفظ نیروها به حال آمادگی" بایستی آموزش ایدئولوژیک آنان را با لایه و از آن مهمتر در فعالیت‌های روزمره مبارزاتی مردم شرکت کنند. از این رو گروه در جریان اعتصابات کارخانجات، بلورسازی، تهران کد به دنبال انفجار کوره بلورگدازی بلورسازی ماشینی و کشته شدن تعداد زیادی از کارگران اتفاق افتاد شرکت نمود. گروه در اعتصابات کارگران کوره‌پزخانه‌ها شرکت فعال کرد. همچنین در فعالیت‌های صنفی دانشجویان دانشگاه تهران که در این سالها از طرف گروه‌های مرفقی بدان دامن زده می‌شد شرکت

روز ۱۹ دی ماه مصادف بود با هجدهمین سالروز دستگیری رفیق بیژن جزنی و آغاز یورش ساواک شاه به گروهی که نام بیژن را زبور خود ساخت. گروهی که جنبش فدائیان خلق را بی‌افکندند و نقشی سترگ در تاریخ جنبش انقلابی میهنان ایفا نمودند. گروهی که بلانی استوار و باایمرد و تیزاندیشانی جسور را در خود جای داده بود که هر یک عصاره مبارزه یک نسل بودند در سالروز دستگیری رفیق بیژن جزنی نگاهی داریم به سیر تشکیل، عملکرد و برخی نکات تاریخی در مورد "گروه جزنی".

بنیانگذاری گروه

هسته اولیه این گروه که با توجه به نقش رهبری و سازمانکرانه بیژن، بعدها به "گروه بیژن"، "گروه جزنی" و یا "گروه جزنی - ظریفی" مشهور گردید، از سال ۱۳۲۴ به صورت یک گروه سیاسی مخفی فعالیت می‌نمود. از اعضای این هسته اولیه می‌توان از رفقا بیژن جزنی و محمد چوپانزاده نام برد. هسته اولیه بنیانگذار موفق شد با شرکت در مبارزات صنفی و سیاسی کارگران، دانشجویان و دانش آموزان به جذب گسترده‌تر نیرو بپردازد. تا سال ۴۲ برخی از رفقای که به این گروه پیوستند عبارت بودند از:

رفقا سعید کلانتری، علی اکبر صفایی، فرامانی، عزیز سمدی، احمد افشار و... که در سالهای ۲۸ - ۲۷ در ارتباط با شرکت در مبارزات دانش آموزان، رهبری تظاهرات ۲۰ دی و تشکیل "سازمان دانش آموزان ایران" به گروه پیوستند.

رفیق حسن ضیا ظریفی در سال ۳۹ به گروه پیوست. رفیق ظریفی نقشی برجسته در رهبری گروه، گسترش ارتباط و تحقیق فعالیت‌های آن داشت. طی سالهای ۴۰ تا ۴۴ رفقا حمید اشرف، فرخ نگه‌دار و... از دانشکده فنی دانشگاه تهران و همچنین رفقای شهید غفور حسن پور، هادی بنده خدالنگرودی، سیف دلیل صفایی، معینی عراقی، فاضلی، مشیدی و گروهی دیگر از رفقای رزمنده از دانشکده پلی تکنیک جذب گروه می‌گردند. در سال ۴۵ نیز رفیق صفاری آشتیانی که در یکی از "گروه‌های متحده" فعالیت می‌کرد به گروه پیوست و رفیق اسکندر صادقی نژاد، دبیر سندیکای فلز کار مکانیک

در آموزش و پرورش را می خواهند تخته کنند!

بقیه از صفحه اول

فیزیک، یک دسته نیز به مهندسی و نطایر این‌ها. این‌ها طنز نیستند. واقعیت شعور موجودات متعلق به دوسه دوره قبل زمین‌شناسی هستند که اینک بر جامعه ماحکومت می‌کنند.

نمی‌توان از "تغییر بنیادی" در زمینه‌هایی همچون آموزش و پرورش سخن گفت و از ضربه زدن به حقوق زنان غافل ماند. ستاد کذابی حتی قبل از این که طرح فراگیر کردن حوزه را ارایه دهد، تکلیف آموزش زنان را روشن ساخته است. بنابر طرح ستاد، زنان در زمینه آموزش و پرورش نباید مدعی برابری با مردان باشند. دختران نباید همان درس‌هایی را در مدرسه بخوانند که پسران می‌خوانند و نباید ادعای طی همان مدارج تحصیلی را داشته باشند که مردان می‌گذارند. در طرح ستاد در این زمینه تاکید شده است: "یکی از نمونه‌های عدم تداوم فرهنگ غربی با فرهنگ اسلامی، همگون بودن تعلیم و تربیت پسران و دختران در این نظام است، در حالی که با بینش اسلامی جز در اساس فطرت که باهم اشتراک دارند، در بسیاری از خصوصیات و استعدادها باهم متفاوت می‌باشند که در پرورش آن‌ها رعایت این تفاوت‌ها بسیار حایز اهمیت است." (همان جا)

"ستاد تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش"، مسلماً در میان بخش‌های مختلف طرح خود، اولویت را به لحاظ بربریت به موضوع محروم کردن دختران از تحصیل هسان با پسران می‌دهد و سریع‌تر از بخش‌های دیگر بر سر اجرای آن برنامه‌ریزی می‌کند. این بخش از طرح، جزئی از تلاش‌های همه جانبه‌ایست که هم اینک برای ضربه زدن به اندک حقوق اجتماعی باقی مانده برای زنان صورت می‌گیرد. در برابر این طرح بغایت ارتجاعی افشاکری و مقاومت همه جانبه‌ای را باید سازمان داده

"ستاد تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش" برای اثبات این که به وجود مدرسه نیازی نیست چنین استدلال می‌کند: "در غرب، چون مسیحیت از ابتدای شکل‌گیری، دنیا را از آخرت جدا نمود و کار دنیا را به قیصر و کار دین را به خدا سپرده بود، می‌توانست دست‌آویزی برای داشتن در نظام تعلیم و تربیت که یکی برای دنیا و امور دنیوی تربیت کند و دیگری برای دین و آخرت انسان را بسازد داشته باشد، ولی در نظام اسلامی که چنین جدایی بین امور انسان نیست... دیگر جایی برای دو یا چند نظام تعلیم و تربیت باقی نمی‌ماند." ستاد در ادامه این استدلال، قرون وسطی را مثال می‌زند: "تاریخ گذشته اسلامی نیز نشان می‌دهد که همه دانشمندان ما از یک نظام واحد بهره‌مند می‌شده‌اند و ریاضی‌دانان و منجمان و طبیبان از همان مدرسه بیرون می‌آمدند که فقها و حکما، و نتیجه این می‌شود که "باید در طراحی نظام جدید به این امر اساسی توجه داشته و باید نظامی را طراحی کرد که در راستای حوزه باشد و با آن وحدت ماهوی داشته باشد." (همان جا)

نه این حرف‌ها چیست؟ چه طرح عملی برای این تغییر بنیادی ریخته خواهد شد؟ بر مبنای استدلال‌ها و توضیحات خودشان حوزه باید فراگیر شود و مدرسه‌ها را برچینند. همه اول آخوند می‌شوند و بعد همان گونه که آخوندها بین خودشان تقسیماتی دارند، دسته‌ای به فقه می‌پردازند، دسته‌ای به تاریخ اسلام، دسته‌ای به روضه خوانی، دسته‌ای به فلسفه، دسته‌ای به موقوفات و امور امامزاده‌ها، دسته‌ای به علم رجال، دسته‌ای به آداب بازکردن محضر عقد و ازدواج، از حالا به بعد یک دسته‌ای نیز به طبابت خواهند پرداخت، یک دسته نیز به شیمی، یک دسته نیز به

زندگی و مبارزه بیژن و گروه جزئی آغاز می‌گردد. درباره نقش گروه جزئی و به ویژه بیژن در زندان نوشته رفیق فرخ نگهدار در این مورد به نقل از کار شماره ۱۰۵، فروردین ۱۳۶۰ کاملاً گویاست:

"بیژن زندان را به دانشکده انقلاب بدل ساخت. او در تغییر فضای زندان‌های سیاسی ایران در جهت توجه دادن زندانیان به تفکر و تحقیق پیرامون مسائل اساسی جنبش تأثیر قاطعی داشت. او در زندان لحظه‌ای از انجام وظایف و مسئولیت‌های خود به عنوان یک انقلابی غفلت نورزید و همواره در تلاش این بود که برای تأثیرگذاری بر جنبش و تحکیم ارتباط خود با بیرون از زندان به منظور انجام دقیق‌تر و فعال‌تر وظایفی که در قبال جنبش و مردم برعهده داشت، روش‌های موثرتری جستجو نماید"

وقتی سخن از گروه جزئی است، سخن از بیژن است که معلم و رهبر گروه بود که جان در جان وفقای خود داشت همچنانکه گروه، جانمایی شیفته این جان شیفته بودند.

میراث بیژن و گروه او که سخن عشق به طبقه کارگر و خلق، کار و رنج و مقاومت، امید به آتیه روشن است، نسلی از عاشقان راه رهایی را پروراند تا به قله‌های عشق و دانش و مبارزه و مقاومت دست یابند.

دشمن با آگاهی و شناخت کامل، بیژن، این انسان دوست بزرگ، سازمانگر برجسته، محقق با ارزش و مبارز عاشق و یارانش را با تمام وحشت و تنفر طبقاتی خود و با دمنشی از طبقه کارگر و خلق‌های ایران ربود. اما بیژن، حسن و... همه، اینک زنده‌اند. در راه ما، در مبارزه ما، در یاد ما و در عشق ما به رهایی مردم میهر، عزیزمان.

آموزش ادبیات مارکسیستی-لنینیستی تشکیل می‌داد در همین دوره گروه کوشش می‌کرد تمامی آثار منتشره گروه‌های دیگر را مطالعه کند تا بر اساس امر مبارزه مستقل طبقه کارگر، حول برنامه مبارزه علیه رژیم امکانات وحدت را بررسی نماید و در جریان مبارزه علیه رژیم بکار بندد.

گروه طی این دوره حول مسائل حزب طبقه کارگر و امر وحدت، تحلیل طبقاتی جامعه، مرحله انقلاب، برنامه و خط مشی کمونیستها تقریباً با تمامی گروه‌های سیاسی آن دوره در رابطه و مباحثه بود و در جهت وحدت عمل گروه‌های چپ می‌کوشید. بطور مثال در سال ۴۲ که شرایط کم و بیش این امکان را می‌داد این کوشش‌ها منجر به گردآوری ۴۰ نفر از فعالین چپ در باغی در کرج گردید که دستور جلسه آن سازماندهی نیروهای چپ، برنامه و خط مشی مبارزه بود این کوشش به نتیجه نرسید ولی به جذب بخشی از این نیروها کمک کرد.

طی سالها ۴۵ - ۴۲ مطالعات گروه به بررسی پیرامون پیروزی مبارزات مسلحانه مردم الجزایر علیه استعمار فرانسه و پیروزی انقلاب کوبا و آثار مربوط به آنها مغلوف بود.

دستگیری و زندان

در دیماه سال ۴۶ رفیق جزئی به همراه رفیق عباس سورکی دستگیر گردید. علیرغم شکنجه‌های وحشیانه، ساواک موفق نمی‌شود اطلاعات جدیدی کسب کند ساواک نتوانست با اتکا به شیوه‌های بازجویی خود به بسیاری از ارتباطات و اطلاعات دست یابد و همچنان مبارزین بسیاری همچون حمید اشرف، حسن پور و... برای دشمن ناشناس ماندند.

پس از ۱۹ دی ماه ۱۳۴۶ دوران بسیار ارزشمند و پربار دیگری از

خاطره‌ای از زندان

لحنی خاصی از رفیق جزئی پرسید: و شما! رفیق بیژن با خونسردی شماره دفعات را که گویا به هشت بار می‌رسید توضیح داد سرگرد وحشت زده و متعجب پرسید باز هم سابقه‌ای وجود دارد؟ همه ما از وحشت و تعجب او به خنده افتادیم. او با سیمای برافروخته و با نفرتی که بعدها با شکنجه بیژن بروز داد خارج شد.

مهرماه سال ۴۷ بود. ورود بیژن و همزمانش با استقبال گرم سایر رفقای زندانی مواجه شد. شام دور سفره‌ای وسیع و بانشادی ناشی از دیدار بیژن و سایر رفقا صرف می‌شد. رئیس زندان سرگرد اسدی وارد شد و با نخوت فراوان اسامی و سوابق زندان افراد گروه را پرسید. سرگرد اسدی که خود را با بی‌احترامی افراد بدلیل بلند نشدن از سفره مواجه می‌دید با

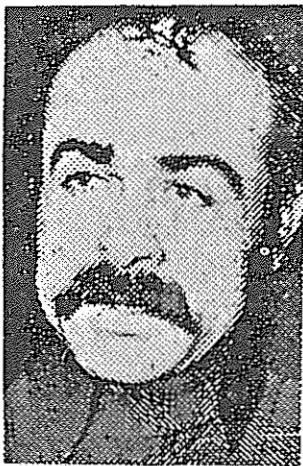
علیه رژیم متحد شویم
به حکومت ارتجاع پایان دهیم

در آستانه پانزدهمین سالگرد اعلام موجودیت سازمان

باطلوع سازمان، هنر و ادبیات انقلابی جان گرفت



ناشناخته هنر و ادبیات پرمشاورند سازمانگری تا آنجائی که در گنجائی توان است آغاز می شود. در عرصه موسیقی، سواى آنچه که "کارگاه هنر" و دیگر واحدهای سازمانی انجام می دهند، پیشخوان کتابفروشی ها و نوار فروشی ها از نوارهای موسیقی انقلابی پرمی شوند. در دورترین نقاط، در آذربایجان، "عاشیق" ها سازمان می گیرند و به "سازمان" رو می آورند. آنان با تارهای ساز و آواهای شورانگیزشان آرمانها و خواستهای سازمان را تا اعماق روستاها می گسترانند. کارکرد سازمان در گسترش موسیقی خلقی های میهن غرور انگیز است.



رفیق خسرو گل سرخی

موجی از تئاترهای رسمی و خیابانی به راه می افتد. در روستاها، خیابانها، کارخانه ها و مزارع نمایشهای کوتاه انقلابی به اجرا

روشنایی اش را بر همه جامی گستراند و موج وسیعی از هنرمندان نامدار و جوان را زیر تاثیر می گیرد. چرا که آغازگرانی چنین، "کاشفان فروتن شوکراند"

"وینان"
دل به دریا افکنانند
به پای دارنده آتش ها

.....
در برابر تندرمی ایستند
خانه را روشن می کنند
و می میرند

شاملو

همه و همه، همه آن مردمی اندیشان در پهنه هنر و ادب، از "جنگل"، "ستاره" و "باران" سخن می گویند. مرضیه احمدی خود ستاره ای می شود در آسمان فدائی و رفیق سلطانپور پرچم شعرش را بانام فدائی فراز می کند. رفیق گل سرخی، ستاره جانش را و شعرش را در چنین جدایی به مدار مبارزه و مرگ هدیه می کند. رفیق محمد امین (م. راما)، در زندان و درینسوی قفس که خود قفسی فراگیرتر است فریاد شعرش را سر می دهد و ازین قرار "سیاهکل" و استمرار آن، فضای هنر انقلابی را به یکباره تسخیر می کند.

بهار هنر در بهار آزادی

در دیوار ظلمت با پتک های خلق و پیشاهنگ بهم می ریزند، رژیم رو به مرگ شاهی با هنر لوکس و درباری اش درهم پیچیده و به زباله دانی ریخته می شود. سازمان با سیل پرشتابی از هواداران روبروست که در میان آنان چهره های شناخته و

"آه ای کینه! تو هم مانند محبت مقدس هستی! اما نمی توانیم محبت خود را به مردم ثابت کنیم مگر اینکه به دشمنان مردم کینه بورزیم. تو با ریختن خون ظالم به ستمپدگان محبت می نمائی"
صمد بهرنگی: "الدوز و عروسک سخنگو"

همه راهها به انسان ختم می شود و یابه تعبیر دیگر جزیک راه نیست و اینهمه کورمال، در جستجوی همانند"
بهر روز دهقانی "مجموعه مقالات"



رفیق بهروز دهقانی

بذر افشانی در خورشید

کار سترگ و ریشه داری که هنرمندان و نویسندگان در نخستین هسته های سازمانی آغاز می کنند روبه گسترش دارد. رفیق نایدل از دامنه "سهند" می آید و دامن نوشته های خود را در سرتاسر وطن می گشاید. رفیق پرویز پویان از آن پیشتر که شهره گی یک چریک فدائی را با خود داشته باشد، آوازه قلمش در چهار جانب وطن می پیچد، آنان حتی در آنسوی میله های قفس، آواز آزادی را از زبان قلم برمی آورند. مردمی اند و مردمی زاده. ستاره هائی از اعماق و در اعماق، راه و کوره راهها، سنگلاخها و کوهستانها را درمی نویسند... رفیق بیژن در گرما گرم کار و پیکار، نگاه شیفته ای به هنر و ادبیات دارد. می نویسد و حتی در زندان نقاشی می کند.

خورشیدی که از سیاهکل سرزده، اندک زمانی رسته های

خیزش خونین. جان باختگان از کوهستانها و جنگلها سرازیر می شوند، جان و سلاح برکف، عشق به میهن و ستمپدگان در دل، به دژ مرگ اندیش اهریمنی در سیاهکل بورش می برند و در ژرفای تاریکی آذر خشی پر روشنا و دیرمان نقش می زنند و بیدینگونه سنگ بنائی استوار بر زمین نهاده می شود تا در آینده ای نه چندان دور و دیر، ارکان رزم آبر و بیشناز کارگران و تمامی خلق، بنای شوکمند تاریخی اش را بر آن بنیان نهد. خورشید سیاهکل سرمی زند. رخشه های پر پنهان و نواز شکرش به چهره تاریک زندگی می تابد. هنر انقلابی، از این زایش مبارک جان تازه ای گرفت. قلم ها به چرخش می آیند و دیگر نه یاس و فروماندگی که امید و حرکت را می ستایند جنگل و ستاره را می ستایند، توده ها و توده زادگان را می ستایند و "شب" و "ستم" و "نابینگامی" را آماج می گیرند.

از میان جانبازان و بنیانگذاران، نویسندگان، شاعران و هنرمندان، کم شمار نیستند. بهروز دهقانی و صمد بهرنگی دو نام، دو ستاره درخشان در آسمان تاریک وطن، دو انسان آبدیده که در پهنه های قلم و قدم، دوشادوش هم و پیشاپیش دیگران، ره توشه برمی گیرند. قدم در راه بی برگشت می گذارند. هنگام آن رسیده که قلم و قدم بهم در آمیزند، هنگام آن رسیده که اشارات



رفیق مرضیه احمدی اسکویی

قلم، را هکشیای قدم باشد و ظنین کامها و قدمها، الهام بخش قلم ها. آنان با عشق به خلق و نفرت از خصم، ندای سازمان را به نیروی واژگان می گسترانند.

سیاهکل: یک سرفصل

دکتر محمدرضا تقیعی که کنی شاعر و ادب شناس برجسته ایران، در کتاب "ادوار شعر فارسی - از مشروطیت تا غوطه سلطنت" از سیاهکل به عنوان آغاز یک دوره تازه در شعر معاصر فارسی نام می برد. وی در این مورد چنین می نویسد:

"دوره دیگری که از لحاظ عوامل اجتماعی دارای اهمیت است از ۱۹ بهمن ۴۹ (قیام مسلحانه سیاهکل) شروع می شود و تا پایان عصر سلطنت ادامه دارد. دوره ای که شعری جوانتری در آن فعالیت دارند و شکستگی شعرشان مربوط به این دوره است..."

در نصاب های تازه شعر این دوره عبارت است از ستایش قهرمانان جنگ مسلحانه، وصف تکنجه ها و زندان ها و میدان های اعدام، درهم کوبیدن همه عوامل یاس و ناامیدی که در دوره قبل بود. در انتظار آمدن بهیزی که مثل بهار از همه سو می آید، عناصر سازنده ایسا های شعری این دوره بیشتر از دریا و موج و صخره و بهشت و آفرغان و تقایق و ستاره قرمز و قزلباش و تفلک مایه می گیرد و از انبجار و در هم شکستن و بر روی هم زندگی نامه تقایق ماست."

درمی آیند. رفیق سلطانپور در این عرصه نیز کار آئی دم افزونی از خویش نشان می دهد.

فیلمهای انقلابی به ترجمه در می آیند، رفقای ما در همه جا هستند، پشت دوربینها، روی پلانها در اتاقهای دوبله و... بسیاری از فیلمهای "غیر مجاز" دوبله و به پردههای نمایش عمومی می آیند. کار به آنجا می کشد که نمایندگان مجلس اسلامی علناً در مجلس اعلام می کنند که این فیلمها را فدائیان می سازند و بر پرده سینما و حتی تلویزیون نمایش می دهند.

نقاشی بر در و دیوار از سوئی و برگزاری نمایشگاههایی که در برپاشی آنها فدائیان نقش ویژه ای دارند از دیگر سو چشمهای توده ها را می نوازند و چشمان دشمن را کور می کنند. بسیاری از تابلوهای مشهور جهانی به صورت پوستر و کارت پستال توسط سازمان و گروههای هوادار به بازار عرضه می شوند.

شاعران و نویسندگان در پیرامون سازمان به نشر شعر و ادبیات انقلابی می پردازند. شبهای شعر برگزار می شود و در بسیاری از مراسم سازمان، شاعران و نویسندگان انقلابی شعر می خوانند و سخن می گویند.

"هنرمقاومت" پیویشی تازه تر

خشم بو جملان و جاهلان از پویش خلق و هنر خلقی اوج می گیرد. تازش فراگیر غاصبان جمهوری همه آدمها و آثار ادبی را آماج می گیرد. در شرایط تازه حفاظت از هنر و هنرمند انقلابی نیز یکی از دستورهای کار سازمان است. بسیاری از شاعران و نویسندگان به اختفای روند تاحیات هنر انقلابی خویش را هر چه بیشتر بگسترانند. شیوههایی نو برگزیده می شوند. ادبیات زیراکسی و زیر زمینی رواج تازه ای می یابند. نوارهای تازه ای از شعر، موسیقی انقلابی دور از چشم سرکوبگران خلق، در بین مردم دست به دست می شود. همه چیز زنده است. قلبها زنده اند، می نویسند و می سرایند و به تصویر می کشند. سواي آنچه در حوزه های گونه گون در عرصه هنر و ادبیات صورت می گیرد، هنرمندان انقلابی بار دیگر با الهام از منظومه زنده و روشنی به نام "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)"، به سازماندهی تازه رو می کنند، گرد می آیند و در شرایط هولناک تفتیش و تفهین دستها را به هم می سپارند و ارا به سنگین و با وقار هنر انقلاب را به پیش می رانند.

در مردگان خویش نظر می بندیم

باطرح خنده ای

و نوبت خود را انتظار می کشیم

بی هیچ خنده ای!

تصویری در قلب

سرخ، خونین و مذاب خورشید. یکی در آسمان و دیگری در کارون. در چنین جایی مستقر بودیم. در دشتی زربین با موج های انبوه گندم. درخت های نخل هم آن سوتر، تک به تک ایستاده اند همه این رنگها با سرخی غروب خورشید ترکیب شده و فضای عجیبی را ساخته اند. فضایی پرغم با آرامشی سنگین، که اگر یکی از بچه ها زیر آواز بزنند، پژواک صدایش توی دشت، همه را میخکوب می کند. سلیمان گاه به گاه چنین می کرد. آواز که می خواند یک گوشه می نشست. خورشید را نگاه می کرد و آرام می خواند. صدایش بر قدرت بود و باز. وقتی رهایش می کرد، انگار همه خوسه های گندم سر فرود می آوردند. هیچکس به سلیمان احوال نمی کرد که بخواند. انتظار می کشیدیم که هر وقت خودش حالی داشت، بخواند و سلیمان گاه به گاه می خواند. با تمام جانش و از اعلای قلبش. از عاشقانه های ولایتش می خواند و اگر جرئت می کردی که به چشم هایش نگاه کنی می دیدی که پرده ای نازک از اشک، روی مردمک چشم را پوشانده است. آوازش که تمام می شد پیش ما نمی ماند. رهش را می گرفت و می رفت و تا ساعت ها بعد، پیدایش نمی شد. آتش به جان بقیه بچه های روستا - که تعدادشان در گروهان ما فراوان بود - می انداخت و جمع را ترک می کرد. غروب ولایت را به یادشان می آورد و قلبشان را فشار می داد. نمی دانم غم دیار غربت و جدا ماندن از زادورود این بچه ها را این طور منقلب می کرد یا در انتظار مرگی بیپوده ماندن. هر آنچه که بود، فضای دوروبرمان خیلی سنگینی می کرد. دشتهایی که اینک رو به سبزی می رفت، اینها را به سوی خود می خواند و این جا در این شنزارها و نیزارهای گرم، مرگ بی صبرانه انتظارشان را می کشید. همین چند روز پیش بود که سه نفر از آنها شبانه ما را ترک کردند. کارشان آنقدر طبیعی بود که هیچکس حتی سوالی نکرد.

*

از هم شهری و رفیق نزدیک

سلیمان شنیدیم که عاشق است. به یکی از دختران فامیل شان در روستا دل بسته بود. دختر هم سلیمان را دوست داشت. اما طبق رسم و رسومات ولایت مادختر را برای برادر بزرگتر سلیمان، "نافر" کرده بودند. پهلوان از این عشق با هیچکس سخن نمی گفت. در دلش می ریخت هر آنچه را که جانکاه بود و در انتظار می ماند تا نوبت مرخصی اش برسد و به زادگاهش سری بزند. شاید که بویی از یار به مشام کشد و باز بیاید تا که تمام شود. دیگر چیزی به پایان خدمتش نمانده بود. گفته بود که: "اگر بخواند یک روز زیادی نکم دارند، همه شان را یاره یاره می کنم". علی رغم آنکه با گروهیان بد دهن دسته بارها سرشاخ شده بود، جرئت نکرده بودند که برایش اضافه خدمت بنویسند. بی مهلبا می گفت: "اگر اوایل خدمتم بود، حتما صدبار تا حالا فرار کرده بودم، الان هم هروقت که به ده می روم به بچه های مشمول سفارش می کنم که نیابید. هیچ کاریتان هم نمی توانند بکنند."

این بار که از مرخصی برگشت، انتظار چیزی در او تغییر کرده بود. چشم هایش می خندید، نگاهش برانتر شده بود. روی زمین، سبک تر قدم بر می داشت. بچه ها که سر به سرش می گذاشتند، می خندید و جوابی نمی داد. حال و روز خوش با فضای خون آلود جیه، پهلوانه پنجه در پنجه می انداخت. سرخوشی اش، انگار به همه بچه های گروهان منتقل شده بود. گفتند که این بار، داستان شیرین خاتمه یافته است. برادرش رضایت داده و قرار است که سلیمان بعد از این ماه که خدمتش تمام می شود، عروسی کنند. گفتند که در یک هفته مرخصی اش، به اندازه چهار مردکار کرده و زمین شخم زده است. گفتند که مردم روستایشان، - که خیلی دوستش دارند - در انتظارند که شیرینی اش را بخورند. گفتند که مادرش اتاقی را در خانه شان سفید کرده و در تدارک عروسی شان کار می کند. عروش هم لباس می دوزد و تا که شیر مردش باز گردد و زندگی را آغاز کنند. گفتند که عکس عروش را همیشه در جیب چپ بلوز سربازی اش - روی قلبش - می گذارد.

بچه ها پول جمع می کردند که در پایان ماه برای پهلوانان هدیه ای به یادگار بگیریم.

نهار را که خوردیم با وسایل شخصی مان راه افتادیم. واحد ما در

گزارشی از کردستان

کرد زنده است!

بقیه از صفحه اول

جنبش از پانمی افتد

کردستان را به یک پادگان بزرگ نظامی تبدیل کرده اند. اولین تصویری که در ذهن هر کس با پانهادن در خطه کردستان نقش می بندد این است که این جایک سرزمین اشغال شده است. تقریباً در کنار هر شهر همچون یک غده چرکین بزرگ، پادگانی به چشم می خورد. همه راه های ورود و خروج به کرات کنترل می شوند. پانگاه ها یکی پس از دیگری با فرد سینه به سینه می شوند. در جاده ها ستون های ارتشی روانند بر فراز بلندی ها دیده بانان ایستاده اند. خیابان های شهرها آلوده به لوت وجود عس هایی است که چونان کله های سگ هار از این سو به آن سو می شتابند. بسیاری از روستاها نیز در محاصره اند. این همه تدبیر چیده اند، امکانات فراهم آورده اند، نیرو بسیج کرده اند اما نتوانسته اند ناشره جنبش را خاموش کنند. در کردستان، حکومتیان در نگاه اول قدرتمند به نظر می آیند، سرکوبگران پرشارند و از هر نظر مجهز. اما این تنها در نگاه اول است. دقیق تر که بنگری قدرت جنبش را درمی یابی. همه این ادوات و نفرات و اکنتشی هستند در برابر یک کنش نیرومند. قدرت جنبش را که در نمودهای گوناگون مشاهده می کنی و وقتی که در برابر آن این همه سرکوب و سرکوبگر و ابزار سرکوبگری را می بینی، قاطعانه حکم می دهی که این جنبش از پافشاری نیست.

محاصره در محاصره

روستاهای مهم زیر کنترل شدید قرار دارند، دور شهر حصار کشیده اند تا رابطه آن را با روستاها و شهرهای اطراف زیر کنترل داشته باشند، شهر محاصره شده و هر محله ای از آن نیز به المور ویژه محصور گشته است، کنترل در مناطق پر اهمیت به لحاظ سیاسی و یاسوق الجیشی به صورت اکیدی اعمال می شود، هر ده و شهر و منطقه ای در این خطه تحت محاصره است. گرداگرد کل خطه کردستان نیز طبیعتاً حصار کشیده اند. "شعل جنبش خاموش شده

است!" آن گونه محاصره کردن ها برای این گونه ادعا کردن هاست. این ادعاها ۶ سال آزار است که تکرار می شوند و همین تکراری بودنشان بر کذب بودنشان دلالت دارند.



نصیب ما این بوده است!

گفتیم که کردستان به شدت تحت محاصره است. از جنوب، از کرمانشاه که به سمت کامیاران حرکت می کنی و از شمال، وقتی می خواهی به لرف ارومیه و یا میاندوآب بروی می فهمی که این محاصره چه شدتی دارد. در سه راهی اواغلو سه راهی تبریز - ماکو - خوی نیروهای سرکوبگر رژیم ورود به منطقه کردستان را به شکل بس سبانه ای اعلام می کنند: باروینه ها پایین! کارت های شناسایی را نشان بدهید! جیبیتان را خالی کنید! و بعد بحث درمی گیرد:

- این چکه را برای کی می بری؟
- برای پسر.
- ها! انکار نمی دانی که ما متوجهیم آن را برای پیشمرگه ها می بری.
...
- این کاپشن مال کیه؟
- مال خودم
- توقیف است. می خواهی برای پیشمرگه ها بیزی!
...
- کجایم روی؟
- مه پاد.
- اهل کجایی؟
- مه پاد.

- از کجایم آبی؟

- تبریز.

- برای چی تبریز بودی؟

- مریض بودم.

- بیهود! حالا باید یک مدت پیش ما بمانی تا تحقیق کنیم.

در مدخل کردستان

ارومیه را محال می زنیم. در این شهر اولین موضوعی که توجه هر تازه واردی را به خود جلب می کند شلوغی غیرعادی خیابان هاست. در میدان اصلی شهر، میدان مرکز (که امروز بر آن خمینی نام نهاده اند) انبوهی افراد بیکار جمع شده اند: کارگران ساختمانی، روستائینی که به دلیل جنگ و یا درگیری با خان های تحت الحمایه حکومت آواره شده اند، جوان های شهری و افراد بی شمار دیگری که در این میدان به دست فروشی مشغولند. کالاهای مختلفی در این میدان مبادله می شود: سیکار، رادیو، ساعت، کوبین... انبوه آوارگان کرد عراقی نیز جزو همین جمع بیکار و سرگردان هستند.

حضور بیش از حد نظامیان، اعم از ارتشی، سپاهی، بسیجی و جهادی و کثرت خودروهای مختلف متعلق به آن ها که با سرعت زیاد این سو آن روانند، به ارومیه حالت یک منطقه جنگی را داده است. گرانی، بیکاری و کمبود مایحتاج جنبه های دیگری از این حالت جنگی هستند.

مرکز عملیات قرارگاه حمزه که نقش اصلی را در سرکوب خلق کرد ایفا می کند، در این شهر واقع است. لشکر ۶۴ ارومیه و لشکرهای سندنچ و کرمانشاه و دیگر واحدهای تابعه با همکاری نیروهای شمال غرب مستقر در کرمانشاه، مجموعاً امر سرکوب خلق را پیش می برند. به این مجموعه باید

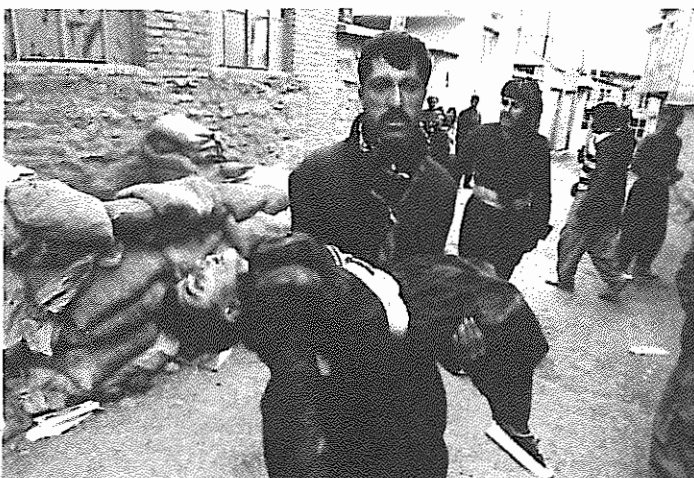
پادگان ها و پایگاه های متعددی را که بدون استثناء در هر شهری وجود دارند، اضافه نمود. در دوشهر ارومیه و کرمانشاه که دو مدخل مهم کردستان یکی از سمت شمال و دیگری از سمت جنوب است، آمیختگی در جنگ - جنگ علیه خلق کرد و جنگ بی سرانجام با عراق - به فلاکت و فقر و فشار و مصیبت جلوه های سنگین تری نسبت به دیگر شهرهای غیر کرد نشین بخشیده است. از این دو شهر که می گذاری و وارد خود شهرهای کردستان می شوی می بینی که دیگر با کیفیت تازه ای مواجه هستی. در این جا دیگر فلاکت و فقر و فشار و آژه های نارسایی هستند.

دو جنگ، دو مصیبت

فشار و سرکوب و فقر و فلاکت در کردستان، کیفیت ویژه خود را دارد. کردستان خود به شدت سرکوب می شود، علاوه بر آن این منطقه محروم همچوار با عراق است و جزو مناطق جنگی محسوب می شود. دو جنگ با هم درمی آمیزند و مصیبت را به اوج می رسانند. یک گزارش از ارومیه در دور دوم جنگ شهرها تصویری از این وضعیت را ارائه می دهد:

عراقی ها پیرانشهر را بمباران کرده اند. ارومیه که خود مضطرب است مضطرب تر گشته است. جلوی بیمارستان خمینی، می شود به عق این اضطراب و فاجعه ای که در پیرانشهر پیش آمده است پی برد. تعداد زیادی فردی را دوره کرده اند. هر کدام جویبار خبری هستند. هر کدام سراغی از عزیزانشان را می گیرند، هر کدام اسمی را بر زبان می آورند و مرد آرام سخن می گوید: از کشته ها، از زخمی ها و از ویرانی ها، او یک شاهد زنده است.

۴۵ سال دارد. سه عضو خانواده اش را از دست داده است و اینک جلوی در بیمارستان خمینی



این دیگر جسم بی جان فرزندم نیست، تجسم نفرتم از این رژیم پلید است

از بدن هستند. انکار زمین را چنگ می‌زند.

جدش را که آوردند طاقت نیاوردم که بنشینم. وقتی می‌بردندش، بالای سرش رفتم. تمام صورتش خاک بود. سیلش را از خاک، پاک کردم. به پلک‌هایش دست کشیدم. یکی از چیه‌ها زیر گریه زد. آن روز ما خیلی کشته داده بودیم. تقریباً نیمی از گروهان رفته بود. اما سلیمان برای همه، چیز دیگری بود. انکار پناهی که در سایه‌اش دمی بیاسایی، همه دورش جمع بودند. هر کس در سکوت انکار یا پهلوان خداحافظی می‌کرد. دستهایش نیمه باز مانده بود و لباس، پاره پاره. آن تیری که از پایش انداخت، قلبش را سوراخ کرده بود. گلوله کالیبر ۵۰ یک حفره بزرگ روی جیب چپ بنروزش ساخته بود. گلوله، تکه‌هایی از آن عکس را، تا ابد در قلبش فرو برده بود.

توی سنگ‌ها دراز کش افتاده بودیم. خسته و آتش‌لاش! بچه‌ها با صدای گرفته و نیمه خواب باهم حرف می‌زدند. اشک آرام آرام، از گوشه چشم روی خاک می‌افتاد. اصدایی از گلوبم در نمی‌آمد. به چهره بچه‌ها خیره شده بودم. هر کدام به زحمت بیست سالشان می‌شد. داشتم باخودم می‌گفتم که "فردا، نوبت کدام از شماست." نمی‌دانم برای سلیمان اشک می‌ریختم یا برای اینان که داشتند به خواب می‌رفتند.

مردادماه ۱۳۶۴

* سیبل - علامت‌های هدف گیری در میدانهای تمرین تیراندازی



تصویری در قلب

بقیه از صفحه ۹

نوک پیکان حمله بود، هفت کیلومتر پیاده روی داشتیم تا نزدیکی خط عراقی‌ها و آنگاه به انتظار نشستیم که هوا تاریک شود. و نیمه‌های شب دوباره راه افتادیم. دمدای صبح بود که به خاکریز عراقی‌ها رسیدیم. زمین صاف صاف، بی هیچ پستی و بلندی و بی هیچ بوته‌ای، تا صدمتر اول بدون مقاومت نزدیک شدیم. ولی بعد از آن، افراد ما بدون جان پناه، تبدیل به "سیبل" عراقی‌ها شدند. زمین‌گیر شده بودیم و آنها هم از درون سنگر به درو کردن پرداختند. هیچ کاری از دستان بر نمی‌آمد. با کلاه آهنی‌ام، زمین را با سرعتی مافوق انسانی گود کردم و در آن دراز کشیدم.

پنج ساعت است که در همین حالت مانده‌ایم. حالا درست صلوة ظهر است. از روز گذشته تا به حال، ما حتی یک تکه نان هم نخورده‌ایم. بدن‌هایمان خورده و کوفته است. حالا تابش مستقیم آفتاب هم تن‌هایمان را می‌سوزاند. جلوتر، چند چند نفر از بچه‌ها، افتاده است. به انتظار مانده‌ایم که باز هم هوا تاریک شود. گلوله‌ها تک، تک از این سو آن سو می‌پرند. انتظار جان آدم را می‌خورد، بخصوص آن لحظه‌ای که میان مرگ و زندگی ایستاده‌ای.

در ۵۰ متری ست چپ، توی یک گودال، سلیمان و رفیق قدیمی و مشهری‌اش دراز کشیده‌اند. سلیمان تیربارش را با یک قطار فشنگ، محکم در آغوش گرفته است. مثل مادری که فرزندش را، چشمان مهربانش نگاه می‌کنند و باز مثل همیشه فرومی‌افتند. حتی نگاه هم در این لحظه‌ها قوت قلبی است.

از خستگی و خواب، چشم‌هایم دارند می‌سوزند پلک‌هایم هر کدام صد کیلو شده‌اند. یک لحظه سرم را روی ساعدم می‌گذارم. توی خواب و بیداری، در چمنزاری دراز کشیده‌ام که بالایش آسمان آبی آبی است. چهره‌ام از شب‌نم صبح، نمناک می‌شود. کلبرگ‌های بوته کل بالای سرم، با باد پرواز می‌کنند و رقص‌کنان پایین می‌آیند. به عرم، چنین کل‌های قشنگی را ندیده‌ام. اما کلبرگ‌ها که بالای سرم می‌رسند، تغییر شکل می‌دهند و شبیه اجسام و جشتناکی می‌شوند. و بالاخره وقتی به زمین می‌رسند، صدای انفجار!

خیمه‌پاره‌ای در نزدیکی ما منفجر شده است و صدایش مرا از خواب پرانده. خودم را جمع و جور می‌کنم.

منتظر است خبری از سلامتی تنها بازمانده خانواده‌اش بگیرد. لباس کردی به تن دارد و از پیرانشهر حرف می‌زند: بخشی‌هایی از شهر به تلی از خاکستر تبدیل شده است. خانه‌ها و مغازه‌های بسیاری با خاک یکسان شده‌اند. هر سوانبومی از کشته و زخمی ریخته است. بغض گلویش را می‌گیرد و با ناله ادامه می‌دهد: تاخه تاکی بسوتین؟ تاکی ببینه زوخال؟ تاکی زوخوا؟ (آخر تاکی سوخته شویم؟ تا کی ذغال شویم؟ تاکی حسرت بشکیم؟) بعد از این که آرام می‌شود، پیرمردی که کمی کردی بلد است، اسم چند نفر را می‌آورد و احوال سلامتی آن‌ها را می‌پرسد. مرد تنها جوابش قطره‌های اشکی است که از چشمانش سرازیر می‌شود. پیرمرد سوال کننده دوسه بار می‌زند توی سرش. مرد می‌گوید: کاکاجان مصیبت است! ام حکومت ما را می‌زند و هم صدام. شش سال است که با صدای گلوله بیدار می‌شویم. جوان کردی که قیافه مصمی دارد حرف‌ها را بی می‌گیرد و بدان جهت ویژه‌ای می‌دهد: بزَنَسدا مگر تا حالا کم زده‌اند. بدبختی از این بیشتر که نمی‌شود. اما کجا را گرفته‌اند؟ به راستی کجا را گرفته‌اند؟ پلنگ‌ها در کوهستان‌ها می‌غرند و دشمن در حصارهای تودرتوی خود نیز آرامش ندارد.



جمعی از رزمندگان خلع کرد

این صحبت‌ها جریان دارد که ناکهان ولوله خاصی در میان جمعیت می‌پیچد. در بزرگ بیمارستان باز می‌شود و یک اتومبیل بنز ضد گلوله به همراه دو توپوتاودو اتومبیل شخصی با سرعت از بیمارستان خارج می‌شوند. بنز ضد گلوله حامل آیت الله قریبی نماینده مجلس خبرگان رژیم بود که برای نمایش دادن به عبادت مجروحین آمده بود. مردم با نگاه‌هایی آکنده از کینه به وی، بنز ضد گلوله‌اش و اسکووتش می‌نگرند. مرد کرد، داغترین دشنامی را که در زبان کردی پیدا می‌شود، با نفرت تمام نثار این آیت الله می‌کند.

خواهد برد. حملات هوایی به حومه بغداد و مقر مرکزی ساف در تونس را به یاد آوریم. اینک محافل سازمان آزادیبخش فلسطین اطلاعاتی درباره حملات احتمالی اسرائیل به "اهداف فلسطینی" در سودان و یمن شمالی دریافت کرده‌اند. در اساس، "متحد استراتژیک" آمریکا کل منطقه گسترده اقیانوس هند تا اقیانوس اطلس را هدف گرفته است. و این، می‌تواند منجر به درگیری شریک بزرگتر در عملیات جنگی نیز بشود. گلوله باران سواحل لبنان توسط نیروی دریایی آمریکا و پیاده شدن تفتنگاران آن در آن‌جا در سال ۱۹۸۲، نشان داد این خطر تا چه حد بزرگ است. امروز که زیر ساخت نظامی آمریکا در خاور نزدیک در قیاس با آغاز دهه ۸۰ بسیار گسترده‌تر است، خطر مزبور از ابعاد باز هم بزرگتری برخوردار می‌گردد. کافی است از فرماندهی مرکزی آمریکا (سنت کوم) نام ببریم، که از ۱۹۸۳ بدین سو رسماً ۱۹ کشور آسیای جنوب غربی و آفریقای شمال شرقی در حوزه عمل آن قرار دارند. در آغاز، محافل نظامی آمریکا برای "سنت کوم" و "نیروی واکنش سریع" تحت فرماندهی آن ارزش نظامی ویژه‌ای قائل نبوده و آن را "قهرمانان دی‌زنی‌لند" (پارک تفریحی) می‌خواندند. اما در این سه سال، برای تبدیل فرماندهی جدید به یک نیروی نظامی واقعی، کارهای زیادی صورت گرفت. "سنت کوم" هم اینک ۶ لشکر، ۲ ناوگان هواپیما، ۷ اسکادران نیروی هوایی، بمب افکن‌های ب-۵۲ و نیز واحدها و فرماندهی‌های ویژه، یعنی در مجموع ۲۰۷ هزار نفر در اختیار دارد.

یک نکته روشن است. مشی "مقابله با نفوذ شوروی و مارکسیسم" در جهان سوم عملاً به مداخله فزاینده آمریکا در بحران‌های منطقه‌ای می‌انجامد. علاوه بر این، این سیاست به دخالت‌های مستقیم ایالات متحده منجر می‌شود، زیرا امکان تحقق اهداف آمریکا از طریق واسطه‌ها پیوسته رو به کاهش است. امپریالیسم به دنبال انتقامجویی اجتماعی است - چه در مقیاس منطقه‌ای و چه در نهایت، در مقیاس جهانی - و می‌خواهد روند تاریخ را متوقف ساخته و حتی به عقب برگرداند. درست همین امر به تشدید بحران‌ها در مناطق گوناگون می‌انجامد و طبعاً کل تنش‌های بین‌المللی را نیز دامن می‌زند. بنابراین، دعوت جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا برای "محلی کردن این بحران‌های منطقه‌ای" و "کمک به حل آنها را باید متوجه خود و اشتگتن کرد.

یک بام و دو هوا

بار دیگر به نقل شولتز در "جمعیت ژانرین" باز گردیم. در پشت پرده این سخنان، سیاست یک بام و دو هواي آمریکا در بحران‌های محلی دیده می‌شود. اولاً، وزیر خارجه آمریکا، ظاهراً با اطلاعات کافی، از امکان "رویارویی شوروی - آمریکا بر اثر بحرانی در جهان سوم" نام برد. چه کسی حوزه عمل "سنت کوم" را تا این حد گسترش داده است؟ حمایت فزاینده واشنگتن از ضد انقلابیون رخنه داده شده به افغانستان، یکی از فاکتورهای ثبات زدا در این منطقه مهم استراتژیک است. آیا تحویل بزرگ مقیاس سلاح به رژیم نظامی پاکستان امنیت را خدشه دار نمی‌کند؟ مگر نه این است که این رژیم در رویارویی

قبل از دیدار ژنو، هنگام آن و به ویژه پس از آن، سیاستمداران آمریکایی مدام تکرار کرده و می‌کنند: نه مسابقه تسلیحاتی و نه خطر نظامی شدن فضاء، بلکه بحران‌های منطقه‌ای ریشه اصلی خطر جنگ هستند. اما چرا چنین ادعاهایی دقیقاً از کسانی شنیده می‌شود که بحران‌ها را خاموش نکرده، بلکه بدان دامن می‌زنند؟

مقاله‌ای از: دیمیتری ولسکی

بحران‌های منطقه‌ای و امنیت جهانی

قبیله‌گرایی به مثابه یک عامل سیاسی، که اوضاع را در بسیاری از کشورهای آفریقایی مسموم می‌کند، ضروری است. نیروهای خرابکار طرفدار امپریالیسم، از قماش سازمان ضد آنگولایی اونیتا، می‌گویند دقیقاً همین قبیله‌گرایی را به کار گیرند. آن‌ها کمک دشمن رسمی همه آفریقایی‌های سیاه، یعنی نژادپرستان آفریقای جنوبی متکی‌اند. حکومت آفریقای جنوبی هم با تکبر نژادپرستانه عربانی، تلاش دارد امتیازات خود را با تکیه بر مدرن‌ترین سلاح‌ها حفظ کند.

نکته نمونه‌واری است: تشدید ترور علیه آفریقایی‌ها در خود آفریقای جنوبی همواره با اعمال تجاوز علیه همسایگان همراه است. بار دیگر تشابهی سرریزی آورده تشابه با تروریسم توسعه طلبان اسرائیلی در مناطق اشغالی عربی، در جایی که جنبش رهایی بخش هم پامی گیرد و باید پایگیرد.

پیکار خلق‌ها در راه پیشرفت و استقلال را نمی‌توان با برتری فن جنگی، اقدامات خرابکارانه یا بردگی از طریق وام‌ها خفه کرد. بسیاری از کشورهای رشد یابنده با حدود هزار میلیارد قرض، دچار این اسارت شده‌اند. البته آن‌ها مرکز نخواهند توانست این قروض را پرداخت کنند. حتی کشورهای آمریکای لاتین، از جمله کشورهای مهمی مانند برزیل و مکزیک، که پیشرفت صنعتی بسیار سریعی را آغاز کرده‌اند، نمی‌توانند امیدوار باشند که ۲۷۰ میلیارد دلار قروض خود را بپردازند تا چه رسد به عقب مانده ترین کشورهای آفریقای استوایی! کشورهای این منطقه، که از قضا از خشکسالی سهمگین نیز رنج می‌برند، باید سالانه ۱۲ میلیارد دلار تنها به عنوان بهره وام‌ها بپردازند.

به ازای این پول، می‌توان به میلیون‌ها گرسنه نه فقط نان و برنج، بلکه حتی گوشت داد. طبق گزارش "بانک بین‌المللی نوسازی و رشد" که قطعاً نمی‌توان کارشناسان آن را متهم به جانبداری از فقر کرد، "مواد غذایی جهان امروز کاملاً برای تغذیه همگان کافی است".

نه فقط در خاور نزدیک

نمونه خاور نزدیک را بگیریم. پس از تجاوز شکست خورده اسرائیل به لبنان، "ماموریت صلح" جعلی واشنگتن، اقدامات تروریستی و سایر رویدادهای جنجالی، رابین وزیر دفاع اسرائیل ناگهان از تدارک جنگی جدید سخن به میان آورد. اما فعلاً معلوم نیست علیه چه کسی. آماج حمله، احتمالاً و طبق تجارب قبلی نامنظره‌ترین هدف

آیا مرکز صلح واقعی وجود داشته است؟ بدون ستیز و شور، بدون تلاش یکی برای دستیابی به عدالت، و کوشش‌های دیگری برای سرکوب چنین تلاش‌هایی؟ امروز، با توجه به خطر هسته‌ای جهانی که متوجه تمام بشریت است، همان روی می‌دهد که از صدها و حتی هزاران سال پیش روی داده است: خلق‌های تحت ستم، برای استقلال خود و توده‌های زحمتکش برای رهایی خویش از استثمار، می‌روزمند. مرکس برای آن پیکار می‌کند که سرنشت فردایش بهتر از امروز باشد و پا دست کم بدتر نباشد. این پیکار، به ویژه در کشورهای رشدیابنده، جایی که اکثریت بشریت می‌زید، اشکال حادی به خود می‌گیرد.

ریشه‌های ژرف

اما اگر چنین باشد، آیا جرج شولتز وزیر خارجه ایالات متحده حق دارد وقتی در سخنرانی نیمه دسامبر خود در "جمعیت ژانرین" لندن از "بحران‌های جهان سوم که ثبات نظام بین‌المللی را زیر تأثیر می‌گیرند" با نگرانی یاد می‌کند؟ وی می‌گوید: "البته همه این بحران‌ها دقیقاً نتیجه تضاد شرق و غرب نیستند، اما اگر خطر واقعی رویارویی آمریکا و شوروی وجود داشته باشد، چنین رویارویی قبل از هر چیز بر اثر بحرانی در کشورهای رشدیابنده بروز می‌کند - درست بدین علت که توازن قوای نظامی در اروپا تثبیت شده است.

این، دقیقاً همان حقیقت نیم گفته‌ای است که بیش از هر چیز انسان را به اشتباه می‌برد. اولاً درست همین توازن پایدار در اروپا، تأثیر منفی بحران‌های منطقه‌ای بر امنیت جهانی را محدود می‌سازد. ثانیاً تنها صرف گسترش مناسبات پیچیده و متناقض شرق و غرب به جهان وسیع، جوشان و متحول کشورهای رشد یابنده، با توجه به آن که در این کشورها به قدر کافی مسایل دشوار وجود دارد، خطرناک است.

طبیعی است که وضعیت اجتماعی حتی در آن دسته از کشورهای رشد یابنده که ست‌گیری مشابهی دارند، یکسان نیست. هر کدام از آن‌ها، از خود - ویژگی‌ها نه چندان ساده‌ای برخوردار است. مثلاً در افغانستان، انقلاب آوریل به هیچ عنوان مورد پذیرش همگان قرار نگرفت، حتی آنهایی که انقلاب به نفع آن‌ها بود. با توجه به شیوه تفکر متحجر، بیسواد و پیش‌داوری‌های گوناگونی که در طول قرن‌ها برهم انباشته شده‌اند، جای تعجبی هم نیست! برای غلبه بر این همه، زمان لازم است. درست همان‌گونه که زمان و تلاش‌های بزرگی برای محو

مستمر، نه تنها با همسایگانش، بلکه با اکثریت مردم کشور به سر می‌برد (از جمله با اقوام بزرگ ساکن شمال غربی پاکستان) تازه می‌خواهد بمب اتمی هم داشته باشد!

و یاجنگ ایران و عراق را بگیریم. درواشنگتن مایل نیستند این نکته را که انکارناپذیر است به یاد آورند که خود آمریکایی‌ها و به عبارت دقیق‌تر، ژنیکینف برژینسکی، عامل و عاود اطلاعات جعلی در خاور میانه پراکنده و از این طریق، در تحریک به آغاز جنگ ایران و عراق شرکت کردند. اکنون، جانشینان برژینسکی دیگر حتی نیازی نمی‌بینند پنهان کنند که در این جنگ خونین و طولانی، منافعی برای خود می‌بینند. سفیر سابق آمریکا در یک کشور خلیج این منافع را چنین فرموله کرد: "حکومت ملاها در ایران روبرو به تثبیت است. جنگ خلیج محدود باقی مانده و وسوسه صدور انقلاب ایران و داعیه‌های عراق برای سلطه بر منطقه را خنثی می‌سازد." آیا این یک موضع غیر مسئولانه در قبال اوضاع منطقه نیست؟ منطقه‌ای که ژنرال‌های آمریکایی سه سال پیش برای آن، یک "سناریوی گسترش تشنج" در نظر گرفتند؟ طبق این "سناریو" تنها ۱۲۵ روز از آغاز انتقال ناوگان آمریکا به خلیج فارس تا بسیج همگانی در کشورهای ناتو خواهد گذشت بنابراین، خطر گسترش بحرانی منطقه‌ای و فرارویدن نشان به یک جنگ جهانی واقعی است. اما ریشه این خطر، قبل از آنکه تلاقی شوم رویدادها ایجادش کند، سیاست خود ایالات متحده است.

ثانیا، نطق شولتز روشن می‌کند که سیاست آمریکا، بکارگیری احتمالی شیوه‌های آزمایش شده در جهان سوم در سایر مناطق رانیز پیش بینی می‌نماید. درست از این رو، وزیر خارجه، بنا به نوشته نیویورک تایمز کوشید در این سخنرانی اش "حمایت متحدین اروپایی را از مشی کنونی واشنگتن در افغانستان، نیکاراگوئه، کامبوج و حتی آنگولا

جلب کند. اما وقتی به خود حق می‌دهند روز روشن علیه دولتهای قانونی و شناخته شده بین‌المللی "تجاوز خنجرده" به راه بیندازند، دیگر چه تضمینی وجود دارد که در مورد سایر دولتها استثنای قابل شوند. منطق درونی نطق شولتز در لندن چنین است. تصادفی نیست که شولتز چند روز بعد در برلن غربی کوشید واقعیات سیاسی را نه تنها در آسیا، آفریقا و یا آمریکای لاتین بلکه در اروپا نیز به زیر علامت سؤال ببرد. تعجب آور است که سیاستمداری این سخنان را به زبان آورد که سهم معینی در موفقیت دیدار ژنو داشت، دیداری که به گفته وی وجه مشخصه آن "واقع بینی" بود.

ثالثا: پیوسته آشکارتر می‌گردد که تلاشهای آمریکا برای گسترش مناسبات شرق و غرب به بحرانیات منطقه‌ای، و تبدیل این بحرانیات به مهمترین مسئله بین‌المللی، با هدف انحراف اذهان خلقت و افکار عمومی از وظیفه شماره یک بشریت انجام می‌گیرد، که عبارت است از جلوگیری از جنگ هسته‌ای، پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی بر روی زمین و جلوگیری از آن در فضا.

در راه خاموش ساختن کانونهای بحران

بدون تردید، حل بحرانیات منطقه‌ای ضروری است، اما راه حلی که مغایر خواستهای خلقت و نه نافی امنیت جهانی باشد. این هر دو به هم پیوسته و جدایی‌ناپذیرند، دلیلی را هم می‌توان از طریق "برهان خلف" یافت: طرحهای آمریکادارین مورد، در تحلیل نهایی همگی هدف (کمی استنار شده) تسلیم دولتهای ترقیخواه در برابر "ابوریسیون دمکراتیک" علم شده توسط محافل امپریالیستی ایالات متحده را دنبال می‌کند. حال اگر نه از تسلیم مستقیم لاقول از امتیازات یکجانبه و گسترده سخن به

در سخنان خود اشاره کرد که همه چیز جامعه باید جنگی شود و بعنوان مثال به اقتصاد و بازرگانی اشاره کرد و اعلام نمود که همه چیز باید برای جنگ، اصلاح شود.

۲۲۵ مورد رفع توقیف از اموال مصادره شده

معاون برنامه‌ریزی "بنیاد مستضعفان" فاش ساخت که "از آغاز تأسیس این نهاد تا ۷ ماهه اول سال ۶۲، تعداد ۲۲۵ مورد حکم رفع توقیف در مورد اموال غیر منقول تحت پوشش بنیاد صادر شده است." وی احکام توقیفی صادره از سوی قوه قضائیه را بی‌ثبات نامید. لازم به تذکر است که این ۲۲۵ مورد رفع توقیف از اموال غیر منقول مصادره شده، تنها مربوط به "بنیاد مستضعفان" است و مجموعه موارد استرداد بر مراتب از رقم فوق بیشتر است.

اخبار کوتاه

* قائم مقام فرماندهان کمیته‌های انقلاب اسلامی "با خمینی دیدار کردند. موضوع این ملاقات کنترل هر چه بیشتر مرزهای کشور گزارش شده است.

میان می‌رود - از تحویل تدریجی قدرت واقعی به نیروهای ضد انقلابی گرفته تا "بازگشت به اقتصاد جهانی و خانواده کشورهای آزاد" (از نطق برنامه‌ای ریکان در سازمان ملل).

چه فکر کرده‌اند؟ راه‌حلهای تسلیم طلبانه نه تنها امنیت جهانی را تحکیم نخواهد کرد، بلکه بدان لطمه زده و خطر بروز بحرانیات نوین محلی را افزایش خواهد داد. تجاوز اسرائیل به لبنان را بیاد آوریم. این عمل، یک ماه پس از استقرار نیروهای آمریکایی در سینا طبق موافقت نامه کمپ دیوید صورت گرفت. طبیعی است که نیروهای صلحدوست، خواهان مبنای به کلی متفاوتی برای حل مسایل مورد اختلاف هستند. اندیشه تشکیل کنفرانس بین‌المللی خاور نزدیک با شرکت همه طرفهای ذینفع، پیشنهادی کشورهای هندوچین و نیز ابتکارات رهبری افغانستان برای مذاکره با همسایگانش - و به تازگی ابتکار گفتگوی گسترده در داخل کشور - همگی بر مبنای اصول عدالت استوار بوده و هم از این رو، واقع بینانه‌اند.

میخائیل کارباجف در اجلاس شورایی اتحاد شوروی گفت: "ما خواهان برسمیت شناختن حق انکارناپذیر هر خلق به داشتن آزادی و استقلال و انتخاب مستقل راه خود هستیم. ما خواستار آنیم که این حق از سوی هیچ کس نادیده گرفته نشود، که هیچ کس نکوشد از خارج در امور دیگران مداخله کند، که آزادی پیروز شود، و نه بیداد. ما همواره در کنار خلقتیایی خواهیم بود که از استقلال خود دفاع می‌کنند. این، مشی اصولی ماست."

همه می‌دانند که واشنگتن اصول متضادی را نمایندگی می‌کند. اما پذیرش واقعیات تاکنون به هیچ کس ضرر نرسانده است. مایه ضرر و زیان، چیز دیگری است: تلاش برای نادیده انگاشتن واقعیات بنام آرزوهای تحقق‌ناپذیر سلطه‌جویانه. (ترجمه شده از "عصر جدید" - شماره ۱ سال ۱۹۸۶ - با مقداری اختصار)

* خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از روزنامه حریت چاپ ترکیه گزارش داد که چهارتن از ایرانیان، در نقاط مرزی کشور، در منطقه خانه سور، از سوی ژاندارمهای ترکیه مورد اصابت گلوله قرار گرفته و کشته شده‌اند. این ایرانیان قصد خروج از مرزهای کشور را داشتند. روزنامه حریت علت این نیراندازی را، عدم توجه این عده به علامت آبیست نیروهای ژاندارم ترکیه اعلام کرده است.

* در حاجی آباد بندرعباس، یک فئودال به همراه ابادی خود به یک کشاورز حمله کرده و پس از اینکه وی را به قتل رساندند، جسد او را آتش زدند.

* قطع برق و خاموشیهای طولانی که مردم کشور را ناگزیر به استفاده از شمع نموده‌است، همچنان فاجعه بهار می‌آورد. در رسانه‌های گروهی و از جمله در کیهان ۹ دیماه گزارش شده است که موارد آتش‌سوزی بزرگ ناشی از سرایت شعله شمع، تنها در سطح شهر تهران روزانه به چند فقره بالغ می‌شود.

* کمیسیون سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی توافق گروههای لبنان را به شدت محکوم کرد. کمیسیون نامبرده افزود که این توافق علیه انقلاب اسلامی صورت گرفته است.

از رویکردهای ایران

وزرای دوزار تخانه بی وزیر تعیین شدند

بقیه از صفحه ۴

مجلس شورای اسلامی روز ۱۵ آذرماه در جلسه علنی خود به دو وزیر اقتصاد و دارایی و معادن و فلزات رای اعتماد داد. موسوی که شخصاً در مجلس حضور داشت، محمد جواد ایروانی را به سمت وزیر اقتصاد و دارایی معرفی کرد. وی از تحصیل‌کردگان آمریکاست. ایروانی توانست با ۱۳۸ رای موافق، این پست را احراز نماید. محمد رضا آیت‌اللهی نیز از سوی موسوی بعنوان وزیر معادن و فلزات معرفی شد. وی نیز با کسب ۱۴۲ رای موافق این پست را از آن خود ساخت.

اعزام کارمندان به جبهه‌ها

کمال خرازی سرپرست ستاد تبلیغات جنگ در جلسه گردهمایی مدیران و مسئولان دفاتر پشتیبانی جنگ وزارتخانه‌ها، اعلام کرد که باید عده‌ای از کارمندان برجسته این وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی به جبهه‌ها اعزام شوند تا "فرهنگ جبهه به داخل ادارات و سازمانهای دولتی کشیده شود." وی

توم فان هوک، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست هلند در گفتگو با "اکثريت":

"جنگ ستارگان" خطری واقعی برای صلح جهانی

هلند در ماه‌های اخیر شاهد اوج گیری مبارزات توده‌های گسترده‌ای از مردم این کشور علیه استقرار موشک‌های هسته‌ای "کروز" آمریکا (موشک‌های بالدار) بوده است. نزدیک به ۴ میلیون تن از مردم هلند چندی پیش با شرکت در یک همه‌پرسی خواهان عدم استقرار این موشک‌ها شدند. با آن‌که دولت هلند بدون توجه به خواست اکثریت مردم، تصمیم گرفت به فشار آمریکا تن داده و هلند را به سکوی پرتاب موشک‌های "ضربه اول" تبدیل سازد، اما مبارزه

جنبش صلح این کشور هنوز ادامه دارد و سیاست‌های میلیتاریستی تحمیل شده از سوی ناتو اهداف گرفته است. یک دستاورد اخیر این مبارزه، کاهش مبالغی است که در بودجه دولتی هلند برای کمک به مخارج تسلیحات هسته‌ای ناتو در نظر گرفته شده است.

برای آشنایی با اوضاع کنونی هلند و مواضع حزب کمونیست این کشور، با رفیق توم فان هوک، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی این حزب به گفتگو نشستیم.

* * *

اولین پرسش ما، پیرامون بحران سرمایه‌داری و عواقب آن در هلند بود. عضو رهبری حزب کمونیست هلند در این باره اظهار داشت: "می‌توان گفت که جدی‌ترین مسئله اجتماعی جامعه هلند، بیکاری است. این مسئله حاد جامعه ما، امروزه دارای چنان شدتی است که هیچگاه در تاریخ کشور سابقه نداشته است. حدود ۹۰۰ هزار نفر یعنی ۱۶ تا ۱۷ درصد جمعیت فعال هلند اکنون بیکارند. حدت مسئله را هنگامی می‌توان دریافت که به کاهش مداوم درآمد بسیاری از مردم، و به ویژه آن‌هایی که به نحوی، به حمایت مالی دولت اتکا دارند، از جمله بیکاران از کار افتادگان، بیماران و غیره، توجه شود. امروز برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم، در هلند شاهد فقر فراگیری هستیم که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰، چندان نشانی از آن نبود."

همراه با گسترش فقر در میان زحمتکشان بر سود سرمایه داران افزوده می‌شود. در این زمینه فان هوک اظهار داشت: شرکت‌های بزرگ و بانک‌ها، در خلال سال‌های گذشته، میلیاردها فلورن به جیب زده‌اند. آن‌ها مبالغ عظیمی که در دهه‌های قبل سابقه نداشته است سود برده‌اند، اما این سود را در اقتصاد هلند سرمایه‌گذاری نکرده، بلکه به آمریکا صادر و یا در اموری نظیر تسلیحات وارد نموده‌اند.

آنگاه عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست هلند، به جنبه دیگر سیاست حزب در مقابله با بیکاری یعنی تقلیل ساعات کار اشاره کرد و گفت: "برای رفع مسئله بیکاری، نه تنها باید مشاغل جدیدی ایجاد کرد، بلکه باید از ساعات کار نیز کاست تا مشاغل میان

تسلیماتی سال‌های اخیر ناتو در اروپا، به ویژه استقرار موشک‌های میان‌برد می‌رسد. رفیق در این باره می‌گوید: "تصمیم ناتو در سامبر سال ۱۹۷۹ دایره استقرار موشک‌های میان‌برد هسته‌ای در پنج کشور اروپایی و از جمله هلند، و اقدام به استقرار این موشک‌های جدید در ایتالیا، انگلستان و آلمان غربی مستقیماً بر مناسبات بین‌المللی بطور کلی، و بر مناسبات بین اتحاد شوروی و آمریکا بطور خاص، تاثیر بسیار منفی‌ای گذاشته است."

رفیق فان هوک آن‌گاه به تشریح دیدگاه‌های ویژه حزب کمونیست هلند در باره لزوم کاهش زرادخانه‌های هسته‌ای، نقش کشورهای کوچک و مذاکرات اتحاد شوروی و آمریکا پرداخت. سپس از ایشان درباره برنامه "جنگ ستارگان" ریکان پرسیدیم. پاسخ، چنین بود:

"در هلند، این برنامه با اعتراض روبرو است. این طرح را باید گامی وحشتناک در پیچیده‌تر کردن اوضاع بین‌المللی و اوجی برای سابقه تسلیحاتی دانست. از لحاظ فنی، ما مطلقاً این ادعاهای رسمی را که هدف "جنگ ستارگان" جلوگیری از کاربرد سلاح‌های هسته‌ای است، باور نمی‌کنیم. این‌ها مزخرف است... "جنگ ستارگان" موجبی برای تشدید تسلیح هسته‌ای بر روی زمین خواهد بود، زیرا چنین سیستمی، سوراخ‌هایی نخواهد داشت و بکارگیرندگان این سیستم به اصطلاح دفاعی، تحریک خواهند شد که ضمن پنهان کردن زرادخانه هسته‌ای خود، سوراخ‌های موجود در سیستم طرف متقابل را زیر آتش بگیرند. خلاصه این که "جنگ ستارگان" خطری واقعی است، زیرا اولاً بر تشنج بین‌المللی موجود به نحو بی‌سابقه‌ای دامن می‌زند، ثانیاً به طور مشخص بر روند مذاکرات خلع سلاح اثر مخرب می‌گذارد و ثالثاً مبالغ هنگفتی را که می‌بایستی صرف خدمات و تأمین اجتماعی شود متوجه مسابقه تسلیحاتی خواهد کرد. اثری که نه تنها دامن ایالات متحده و یا اتحاد شوروی و اروپا را خواهد گرفت، بلکه به میزان وسیع‌تری بر کشورهای جهان سوم فشار خواهد آورد و موجب افزایش محرومیت اهالی این کشورها خواهد شد."

رفیق فان هوک ضمن اشاره به موضع مبهم دولت هلند در قبال "جنگ ستارگان"، گفت: "کوشش عمده ما متوجه آن خواهد بود که مانع از مشارکت هلند در پروژه جنگ ستارگان شویم." و درباره پروژه اروپایی پیشنهادی دولت فرانسه بنام "ارکا" اظهار داشت: "هنوز مشخص نیست که این پروژه تا چه میزان طرحی نظامی است... ما جداً با مشارکت هلند در پروژه‌های مشترک نظامی میان کشورهای اروپایی مخالفت خواهیم کرد."

رفیق فان هوک در بخش بعدی این گفتگو به جنگ میان ایران و عراق پرداخت و اظهار داشت که "مثل همیشه و قبل از همه این شرکت‌های تسلیحاتی هستند که از تداوم این جنگ سود می‌برند. در مرحله بعد دورزمین ایران و عراق می‌باشند که در اثر عجز در برآوردن خواست‌های مردم و برای منتفی کردن این خواست‌ها و گریز از مشکلات داخلی به این جنگ ادامه می‌دهند و از آن سود می‌برند."

در پایان گفتگویمان با رفیق فان هوک عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست هلند، ایشان درباره انقلاب ایران و تحولات بعدی کشور ما گفت: "در دوره نخستین انقلاب ما ان را با علاقه‌مندی دنبال می‌کردیم و ارزیابی مثبتی از آن داشتیم. انقلابی علیه رژیم شاه، حرکتی مردمی علیه سیستم بیدادی که ماه مستقر کرده بود و امپریالیسم جهانی از آن حمایت می‌کرد... اکنون آنچه روشن است، این است که رژیم فعلی، رژیمی سرکوبگر است که به نام اسلام، مردم را سرکوب می‌کند... رژیم فعلی باید تغییر کند و امکان دموکراتیک به وجود آید که مردم امکان تصمیم‌گیری در مورد تحولات بعدی جامعه را پیدا کنند. ما هنگامی که حزب توده ایران مورد هجوم وحشیانه رژیم خمینی قرار گرفت، همبستگی خود را با حزب ایران کردیم. میزان امکانات کمونیست‌ها برای فعالیت آزاد و قانونی در سرکشی، در بسیاری از موارد، معیار مناسبی برای تشخیص ماهیت رژیم‌های حاکم بر این یا آن کشور است... ما احترام عمیقی برای مبارزه‌ای که امروز سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران علیه رژیم به پیش می‌برند قائلیم و آن را تجلی بارز عمل کردن به وظایف نیروهای دموکرات واقعی و کمونیست می‌دانیم. ما برای کمونیست‌ها و مردم ایران، موفقیت در مبارزه‌شان را آرزو می‌کنیم."

برنامه پنج ساله افغانستان

شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان طرح برنامه پنج ساله از ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ را مورد بررسی قرار داد. سلطانعلی کشتمند، عضو دفتر سیاسی حزب دموکراتیک خلق و رئیس شورای وزیران افغانستان، در این رابطه به دستاوردهای مهمی که اقتصاد کشور علیرغم جنگ اعلان شده امپریالیستی و اقدامات خرابکارانه ضدانقلاب کسب کرده است، اشاره نمود و خاطر نشان ساخت: در جریان اجرای برنامه پنج ساله آتی، تولید صنعتی ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت. در برنامه همچنین دو برابر شدن درآمد ملی کشور پیش بینی شده است. کشتمند افزود: یک سوم بودجه دولتی افغانستان به برنامه‌های اجتماعی، به ویژه به بهداشت و آموزش اختصاص خواهد یافت. به گفته نخست وزیر افغانستان، در آینده توجه ویژه‌ای نیز به ایجاد مکن مبذول خواهد شد.

بیرک کارمل، دبیر کل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری ساخت، و تلخفه بعین کهنده حکومت انقلابی افغانستان در شرایط کنونی را، جلب حمایت همه طبقات و گروه‌های اجتماعی مردم و همه نیروهای ملی و مبنی کشور از سیاست دولت مردمی دانست. بیرک کارمل، علمای تجاوزکارانه و فیرامیز غلبه افغانستان و سایر کشورهای آزادیخواه را که نفوذ دائمی حقوق بشر و مقررات حقوق بین الملل است، متکوم کرد و افزود: برکنان رئیس جمهور امریکا، علیرغم آن که سخن از تلاش خود برای حل سیاسی اوضاع بدامون افغانستان می‌راند، در حقیقت پیوسته دسوارهای جدیدتری بر سر رادخل سیاسی ایجاد می‌کند.

دیدار دبیر کل حزب کمونیست سودان و

ژنرال ذهب

عشبه گذشته، ژنرال عبدالرحمن سوارالذهب،

رئیس شورای نظامی موقت سودان، با محمد ابراهیم نقود، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان دیدار و گفتگو کرد. در همان روز و پیش از این دیدار، نقود طی یک کنفرانس مطبوعاتی در خارطوم، تصمیم حزب کمونیست سودان مبنی بر شرکت این حزب در انتخابات عمومی ماه آوریل آینده را اعلام کرده بود. به گزارش خبرگزاری سودان، دبیر کل حزب کمونیست این کشور در دیدار خود با ژنرال ذهب، وی را در جریان نتایج دیدار خود از اتیوپی و جمهوری دموکراتیک خلق یمین گذارد. دبیر کل حزب کمونیست سودان پیامی از جانب متکستوها یل مریم، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کارگر و رئیس شورای موقت نظامی اتیوپی را تسلیم رئیس کشور سودان نمود. در این پیام، رهبر اتیوپی آمادگی کشورش برای ادامه بهبود مناسبات با سودان را مورد تاکید قرار داد.

به گزارش خبرگزاری سودان، این کشور مایل به پذیرش شرایط صندوق بین المللی پول برای واگذاری اعتبار به سودان نیست. صندوق بین المللی پول از جمله خواهان آن است که دولت سودان سوبسید مواد غذایی را حذف کند، هزینه‌های اجتماعی را کاهش دهد و از طریق آزاد گذاشتن بازار ارز، ارزش واحد پول سودان را در برابر دلار پایین آورد. صندوق بین المللی پول، سودان را تهدید کرده است در صورت عدم پذیرش شرایط این سازمان، صندوق از دادن اعتباراتی که پیش از این، با واگذاری آن به سودان موافقت شده، خودداری خواهد ورزید. و این کشور را از لحاظ مالی "بی اعتبار" اعلام خواهد کرد تا سایر کشورهای عضو صندوق از دادن وام به سودان بپرهیز نمایند. دکتر خالد عفان، اقتصاددان مشهور سودان و رئیس مرکز تحقیقات دانشگاه خارطوم، اظهار داشت تن دادن به شرایط تحمیلی صندوق بین المللی پول، وضعیت اقتصادی سودان را وخیم تر و وابستگی آن را به این صندوق تشدید خواهد نمود. کمیته‌ای به ریاست وزیر دارایی و برنامه ریزی اقتصادی جدید سودان از جانب دولت این کشور ماموریت یافته است مذاکرات جدیدی با صندوق بین المللی پول انجام دهد.

اخبار کوتاه

* جنوب لبنان بار دیگر در معرض آتش توپ‌های اسرائیلی قرار گرفت. علاوه بر به توپ بسته شدن چند روستای جنوب لبنان توسط ارتش اسرائیل، باند‌های "ارتش جنوب لبنان" (مزدوران لبنانی تل آویو) شهر صیدا را مورد حمله توپخانه و موشکی قرار دادند. در یک روستای جنوب لبنان، سربازان اسرائیلی خانه‌های اهالی را منفجر و ۲ هزار نفر را بی‌خانمان کردند.

* پس از سه سال خشکسالی، پیش بینی می‌شود در سال ۱۹۸۶ در مزارع پنبه اتیوپی بالاترین میزان محصول برداشت شود. به گزارش روزنامه "اتیوپیین هرالد"، تنها مزارع دولتی وابسته به پروژه دولتی توسعه کشاورزی "تنداهو" در ناحیه "وولو" واقع در شمال شرقی اتیوپی، محصولی معادل ۴۲ هزار تن را پیش بینی می‌کنند که دو برابر میزان سال پیش است. در سایر مناطق نیز اقدامات انجام گرفته در سال‌های اخیر به منظور افزایش تولید کشاورزی و کاهش وابستگی به شرایط اقلیمی، رفته رفته ثمرات خود را نشان می‌دهند.

* در نامه‌ای که اخیراً زندانیان سیاسی زندان مرکزی سانتیاگو پایتخت شیلی مخفیانه به خارج از زندان فرستاده‌اند، آمده است که ۱۵ تن از مبین برستان شیلی که هم اکنون در دادگاه‌های نظامی محاکمه می‌شوند، در معرض خطر مرگ قرار دارند. زندانیان در نامه خود خواهان حمایت افکار عمومی شده‌اند.

* جرج کی‌ورث، که از سال‌ها پیش "مشاور علمی" ریگان رئیس جمهور آمریکا بود، از سمت خود کناره گرفت. کناره‌گیری کی‌ورث در اعتراض به پافشاری ریگان بر برنامه نظامی کردن فضا صورت گرفت. وی اظهار داشت: اگر ریگان با دانشمندان و کارشناسان بقدر کافی مشورت کرده بود، هیچگاه پروژه "ایستار دفاعی استراتژیک" را اعلام نمی‌کرد.

کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در فاس اعلام کرد این کشورها از لیبی در برابر تهدیدات آمریکا حمایت می‌کنند. خبرگزاری شور و، تاس می‌نویسد: "دولت واشنگتن با برقراری مجازات‌های اقتصادی و تجاری علیه لیبی بار دیگر به سیاست تروریسم دولتی که در آمریکای مرکزی و سایر مناطق به طور همه جانبه اعمال می‌کند، متوسل شده است." تاس می‌افزاید این اقدامات ناقض منشور مال متحدند، و تاکید می‌کند: "تا آن‌جا که به اتهام تروریسم مربوط است، این اتهام نه متوجه لیبی، که متوجه ایالات متحده است." تاس پس از اشاره به نقش‌های آمریکا برای سرنگونی دولت قذافی، نسبت به اقدامات آتی دولت ریگان هشدار داده است.

در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد: "ما اعمال قهر و تهدید به اعمال قهر علیه لیبی و سوریه را محکوم می‌کنیم. ما چون جنگی را که علیه این کشورها بدان دامن می‌زنند، و همه تلاش‌ها برای انجام اقدامات تهرآمیز نظامی و غیرنظامی علیه کشورهای مستقل را محکوم می‌کنیم. ما خواهان حل بحران‌های منطقه‌ای از طریق مسالمت آمیز هستیم." همان روز در واشنگتن ریگان "مجازات" های اقتصادی آمریکا علیه لیبی را اعلام کرد که شامل قطع مناسبات اقتصادی، با این کشور و مسدود کردن حساب‌های بانکی لیبی در بانک‌های آمریکایی می‌شود. اما متحدین اروپایی آمریکا بلافاصله هرگونه محاصره اقتصادی لیبی را رد کرده و از پیوستن به اقدامات واشنگتن سرباز زدند.

اتحاد شوروی: تهدید لیبی توسط آمریکا، تروریسم دولتی است

وزرای خارجه اتحادیه عرب، در یک اجلاس فوق العاده در تونس، تهدیدات آمریکا و اسرائیل علیه لیبی را محکوم کرده و با این کشور ابراز میبستگی نمودند. در آغاز هفته، موضع قاطع اتحاد شوروی علیه کارزار ضد لیبیایی آمریکا، تمامی اخبار دیگر مربوط بدان را تحت الشعاع قرار داد. روزنامه پراودا نوشت: دولت آمریکا علیه لیبی دست به "باج خواهی نظامی" می‌زند، و افزود: تهدیدات آمریکا و اسرائیل به تشدید خطرناک تشنجات می‌انجامد. روز سه‌شنبه، ولادیمیر لومینکو سخنگوی وزارت خارجه اتحاد شوروی

بقیه از صفحه اول نشوند، زیرا این امر به جنگی خواهد انجامید که خاور نزدیک، دریای مدیترانه و شاید حتی کل جهان را دربرگیرد. "قذافی هر گونه دخالت کشور در حملات تروریستی رم و وین را تکذیب کرد. علی عبدالسلام تریکی گفت: "ما هر گونه عمل تروریستی را محکوم می‌کنیم." اما علیرغم این تصریحات، آمریکا و اسرائیل به تهدید نظامی لیبی ادامه دادند. ناو هواپیمابر آمریکایی "کورال سی" با ۸۰ هواپیما و ملی کویتر، به اتفاق دو ناو، دو ناوشکن و چند کشتی دیگر به سوی سواحل لیبی حرکت کردند.

وصیت نامه فدائی خلق، جهانگیر بهتاجی

رفیق شهید، جهانگیر بهتاجی سیاهکل محله در لحظاتی پیش از تیرباران فرصت یافت تا وصیت نامه خود را بنویسد. رفیق کوشید وصیت نامه را بگونه ای تنظیم کند که به بیرون از زندان برسد علی رغم محدودیت و باوجود آنکه بخش هایی از وصیت نامه از نظر زندانبانان بکلی غیر قابل قبول بود سیاه و ناخوانا شده است (بخش های حذف شده توسط زندانبانان در زیر با نقله چین مشخص گردیده است) آخرین نوشته رفیق حاکی است که چگونه او با آرزوهای شریف انسانی و با ایمان به پیروزی و عشق به صلح و سوسیالیسم سرفرازانه در برابر جوخه اعدام ایستاد.

گزارش های واصله از اوین حاکی است زمانی که جلادان رفیق بهتاجی را به سوی جوخه اعدام می بردند او شعار گرامی "زنده باد کمونیسم" را با انگشت و با خروشی عداست تکرار می کرد. زمانی این فریاد خاموشی گرفت که قلب او از تپیدن باز ایستاد. رفیق بهتاجی در حاشیه وصیت نامه، سه شعر از سروده هایش در زندان را نوشته که یکی از این اشعار را به همراه متن وصیت نامه در همین صفحه می خوانید.

در این دم آخرین حیات به بیداری خورشید می اندیشم

وصیت نامه

دل من به دور رویت ز چمن فراغ دارد
که چو سربو پایبند است و چوله داغ دارد

شب ظلمات و بیابان به کج اتوان رسیدن
مگر آنکه شمع رویت بدرم چراغ دارد

حافظ شیرازی

از طرف من حق سرپرستی و نگاهداری و امر و کالت پسرمان روزبه را به عهده تو می سپارم حتی چنانچه ازدواج کنی. درین دم آخرین حیات که به شگفتن سحر و بیداری خورشید و به بهاران می اندیشم، سعادت و خوشبختی را برای تو و روزبه مان این تبلور عشق مان و همه مردم خوب جهان آرزو مندم.

راستی نگفته نماند که عهده را که با تو درباره سیکار نکشیدم بسته بودم درین لحظات آخر شکستم. با خوبیهای خود مرا ببخش. تو را همیشه با گذشت و فداکاری می دانم و مامان و بابا و خانم بزرگ و حاج آقا و بچه ها را می بوسم و می بویم. همه فامیل را سلام برسان. دقایقم در اینجا تماماً به یادتان گذشت و مادرم را که جز زحمت برایش نداشتم در عوض ببوس و تسلی بده. خواهران و برادرهایم را ببوس. زن بابایم را ببوس و برایش مرهمی باش. دوستانم را سلام برسان. اندوه رفتنم را با عشق به فردا و آینده تابناک بشریت ترقی خواه بهیامیزید و از بسیاری آن بکامید که بدان دلشادم. تو را از صمیم دل می بوسم. به همه نیکی ها و آرمان مقدس انسانی می اندیشم و به همه انسانهای راستین درود می فرستم.

با ایمان به صلح... پیروز باشید

به یاد همه شما تا آخرین لحظه زندگیم دوستدارتان جهانگیر بهتاجی سیاهکل محله و سه شعر در زندان سروده در زیر نوشته ام

"به نام نامی..."

آخرین یادگaram که وصیت نامه اش می خوانند به نام تو، همسر زیبا و خوبم آغاز می کنم. تویی که شعله های حیات و نیک بختی را در جانم فروزان و شعله ور نگاه داشتی. میچگاه نتوانستم پاسخ خوبیهای تو را بدهم و شرمندهم. آنقدر وجودت مقدس است که با شرمندگی از تو بخوام که بعد از من تنها نمانی و با انسان نیکی که پدری خوب برای فرزندمان و همسری مهربان برای تو باشد ازدواج کنی. نسبت به خویشاوندان همچنان مهربان و مدد رسان آنان باش. همانگونه که می دانم میچگاه فراموش نخواهی کرد؛ همانگونه که در روزهای دشوار زندگی با خاطرات بیاد ماندنی و جاودانه زندگی مشترکمان زیستم حالا که حکم تاریخ به...

آنچه از ارثیه پدری ام که میچگاه چشمداشتی به آن نداشتم و تو هم نداشتی مانده. بین تو (زهره بیاتی) و پسرمان روزبه بهتاجی سیاهکل محله به تساوی قسمت نمائید. با صلاحدید خودت برای مادر زحمتکش و رنج دیده ام (بانوملوک جمشیدی) آنچه لازم می دانی بکن.

مبلغ ۱۶۹۰ تومان (شانزده هزار و نهصد ریال) و چند سکه ۵۰ ریالی که برای روزبه نگاه داشته ام برایم مانده که تعلق بتو دارد تا بتوانی به مصرف تهیه هدیه ات (شاخه های جاودانی گل مریم) برسانی و یک ماهی سرخ کوچولو برای روزبه گذاشته ام...

فدوم آینده

... و آسمان ابری ست
و باد، دمسرد است
به روی شاخه بید و چنار، برف کهن
هنوز هم ز پس هفته ها به جا مانده ست.
زمین سفید و هوا تیره
دشت و هامون گنگ
جهان جانوران بی نشاط و دلسرد است
به تنگنای قفس
پرنده سر به گریبان نهفته بادل زار
نوا ی حسرت جشن بهار سرداده ست.
پرنده می داند
که تخته بند زمستان و باد و یخبندان
اگر چه دیر، سرانجام بگسلد از هم
بهار می رسد و سبزه می دمده به چمن
فراخنای جهان بزم و سور می گردد
درخت میوه دهد
خوشه می زند گندم.
چه روزگاری خوش
چه شاد و روشن، خورشید باز خواهد تافت
چه نرم کاکل گل دست باد خواهد سود
پرنده مست و غزلخوان
سفرکنان در باد
دوباره جفت و جگر گوشه های خود ببیند
هلا!
درود بر این دیدار
درود بر نفس زندگی که پاینده ست.
درین غروب زمستان
که سنگ می شکند زیر تازیانه باد
پرنده چشم بر راه قدوم آینده ست!
جهانگیر بهتاجی سیاهکل محله
۶۳/۱۰/۱۱

برای رهایی مردم ایران

رفقا و دوستان عزیز!

بکوشیم تا در بازدهمین سالگرد بنیادگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)، برای کمک به رهایی خلق ایران همه ابتکارات را برای جلب هرچه بیشتر پشتیبانی مالی از سازمان بکار بندیم!

AKSARIYAT
NO. 90
MONDAY JAN 13, 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید!